

اخبار ماه

مقصد ۲

۱۲ راه ماه - این انتخابات یک نشانه است

۱۴ یاداندیشه

۱۴ یاداعلام

۱۶ گفته‌ها

۱۶ اخبار تصویری

۱۸ اخبار حوزه

۱۸ جهان اسلام

۱۹ خبرگزاری حوزوی

۲۰ گزارش ماه - وحدت شیعه و سنی به چه معناست؟



۲۰ گزارش ماه - هاییل و قاییل را هرگز فراموش نکن!



۲۲ گزارش ماه - اندیشه تقریب در نگاه چهار عالم مسلمان



۲۴ نگاه ماه - نظم نوین جهانی با ظهور شرق اسلامی



طلوعی پر نمر

میلااد گل سرسید هستی،

حضرت محمد مصطفی ﷺ



نعمهای آسمانی، سرزمین مرده و بی جان عربستان را جانی دوباره بخشید. جاء الحق و زهق الباطل. ان الباطل كان زهوقا. (اسراء، آیه ۸۱؛ بحار الانوار؛ ج ۱۵، ص ۲۷۴) چهارده کنگره از ایوان کسری فرو ریخت. دریاچه ساوه که آن را می پرستیدند، خشکید و به نمک زار بدل شد. آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود، سرد شد (بحار الانوار؛ ج ۱۵، ص ۲۵۷ و ۲۶۳ و ۳۲۳). حادثه‌های عظیم در راه بود.

در خانه عبدالله و آمنه، نوری عظیم درخشیدن گرفت. آمنه کودکی را به زمین، به جهان و به نسل بشر تقدیم کرد که تاریخ نظیرش را به خود ندیده؛ کودکی به نام محمد.

چشم‌ها متحیر و مبهوت این تولد بی‌قرین بودند. در نخستین لحظه تولد، رو به کعبه به سجده افتاد و آنگاه سر به آسمان بلند کرد و به وحدانیت خدا و رسالت خود اقرار نمود. نوری از وجودش درخشید و شرق و غرب عالم را روشن کرد (حق الیقین؛ محمدباقر مجلسی؛ ص ۲۶). فجر روز جمعه، هفدهم ربیع‌الاول، آسمان و زمین مکه، تکرار نشدنی بود.

را به رعایت حقوق خانواده فرامی‌خواند. می‌فرمود: من نسبت به خانواده‌ام از همه بهتر رفتار می‌کنم (وسائل‌الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۱۲۲).

و خلاصه آمدنش ثمراتی بی‌شمار داشت. که بزرگ‌ترین آنها کوثر بود. خدا به او دختری عطا نمود که نسل امامت از دامان او گسترش یافت و مکتب اسلام با این شجره طیبه باقی و جاوید ماند. شجره‌ای که مظهر پاکی و طهارت است و هم از این‌روست که لب‌های شیعه، همواره مترنم به این نغمه است که: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم».

دانشگاهی به وسعت تاریخ به بهانه میلاد صادق اهل بیت

هفدهم ربیع‌الاول سال ۸۳ هجری بود که رایحه‌ای بهشتی فضای مدینه را پر کرد و نوری به بلندای تاریخ، از خانه امام محمد باقر (ع) به جهان گسترده شد. کودکی دیده به جهان گشود، به نام جعفر و کنیه‌اش ابوعبدالله که سیره‌اش راستی و صداقت در گفتار. از این‌رو او را صادق می‌نامیدند و به حق صادق آل الله بود.

در دامن مادری پاک‌دامن پرورش یافت. بانویی ستودنی به نام ام‌فروه. حضرت در توصیف مادر خود این‌گونه می‌فرمود: «مادرم از بانوان باایمان و پرهیزکار و نیکوکار بود، خدا نیکوکاران را دوست دارد». (اصول کافی؛ ج ۱، ص ۴۷۲ و بحار الانوار؛ ج ۴۷، ص ۷)

صادق اهل بیت (ع) اگر چه شیر پاک ام‌فروه را نوشیده و جان گرفته بود، اما همچون سایر امامان دوازده‌گانه در رگ‌هایش خون زهرای مرضیه (ع) جاری بود هم از این‌رو یکی از بزرگ‌ترین گسترش‌دهندگان مکتب شیعی گشت.

دانشمندان شیعه و اهل سنت در باب عظمت علمی بی‌نظیرش سخنان فراوان گفته‌اند. فقها و اندیشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی بی‌همتایش سر تعظیم فرود آورده و همگان برتری علمی او را می‌ستایند.

ابوحنیفه، پیشوای مشهور فرقه حنفی در ستایش آن حضرت اذعان می‌کند: «من دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام؛ او دانشمندترین مردم، آگاه‌ترین آنها به اختلاف مردم در فتوا و مسائل فقهی است» (بحار الانوار؛ ج ۴۷، ص ۲۱۷).

بنیه علمی بی‌بدیلش، بدون ثمر باقی نماند و حضرتش از فرصت مناسب حاکم بر مدینه بهره گرفت و به نیاز علمی جامعه پاسخ مناسب داد. دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام محمد باقر (ع) را گرفت و حوزه وسیع علمی و دانشگاهی بزرگی پدید آورد. دانشگاه بزرگ جعفری، در رشته‌های گوناگون علوم عقلی و نقلی آن روز، شاگردان بزرگ و برجسته‌ای تربیت نمود و به جامعه عرضه کرد. شاگردانی همچون: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ایاب بن تغلب، هشام بن سالم، مفضل بن عمر، جابر بن حیان و ... که تعدادشان بالغ بر چهارده هزار نفر ذکر شده است (مفید؛ ارشاد؛ ص ۲۷۱).

صادق اهل بیت (ع) با دانشگاه بزرگی که بنا نهاد و نیز اقدامات دیگر خود، با تمام جریان‌های فکری و عقیدتی ضدیبنی آن روز



پیامبران پیش از او، هریک هدیه‌ای آورده بودند؛ او نیز آمد و اسلام را به عنوان هدیه‌ای کامل و بی‌نظیر از سوی خدا به عالمیان پیشکش نمود. او خود آینه تمام‌نمای اسلام بود، تا آنجا که قرآن نیز او را اسوه و الگوی مردم معرفی می‌نمود: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه؛ همانا برای شما در [سیره] رسول خدا (ص) الگو و سرمشق نیکوست» (احزاب، ۲۱).

آمدنش خدایان دروغین را باطل کرد و خدای حقیقی را به بشر شناساند. روز و شب، مردم را به عبادت خدای واحد می‌خواند. خودش با آنکه بی‌گناه بود و مقرب درگاه الهی، اما شب تا سحر را به عبادت می‌گذراند و خالصانه اشک می‌ریخت. در رابطه‌اش با خدا، همتایی نداشت. آن‌قدر عاشقانه با خدا سخن می‌گفت که تنش در نماز می‌لرزید و تمام لحظه‌های زندگی‌اش به نام خدا معطر بود. حتی هنگام خوردن آب و غذا بسم‌الله بر لب داشت و در پایان الحمد لله (بحار الانوار؛ ج ۱۵، ص ۳۳۵). آمدنش بهایی ویژه به زن داد. در روزگاری که داشتن دختر ننگ بود و دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند، می‌فرمود: بهترین فرزندان شما دخترانند و نشانه خوش‌قدمی زن آن است که نخستین فرزندش دختر باشد (مستدرک‌الوسائل؛ ج ۲، ص ۶۱۴-۶۱۵). گرمای محبت خانواده‌ها را افزون‌تر نمود و خلق

جنگید و موضع روشن اسلام و تشیع را برای همیشه تاریخ تبیین نمود.

آن روز، وسعت دانشگاهی که آن حضرت بنا نهاد، به شیعیان منحصر نبود و حتی پیروان اهل سنت نیز، درس آموز مکتب ایشان بودند (سیره پیشوایان؛ مهدی پیشوایی؛ مؤسسه امام صادق(ع)، ص ۲۵۹).

امروز نیز وسعت این مکتب عظیم همچنان باقی است و جویندگان فقه شیعه، مطلوب خود را از حوزه‌هایی الگو گرفته از دانشگاه بزرگ امام صادق(ع) می‌جویند. در آرزوی جهانی شدن مکتبش.

وحدت رمز بقای اسلام هفته وحدت

صحابه پیامبر(ص) که از توطئه عبدالله بن ابی، باخبر شدند، اجازه قتل او را از پیامبر خواستند، اما رسول خدا(ص) آنها را از قتل وی بازداشت (بحار الانوار؛ ج ۱۹، ص ۱۰۸) و فرمود: تا هنگامی که زنده است با او مانند یک دوست و رفیق رفتار می‌کنیم (سیره ابن هشام؛ ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی؛ ص ۱۹۸).

او با درایت ویژه، به بلندای وحدت امت اسلامی می‌اندیشید و برای ابلاغ اسلام و حفظ آن معیشت شده بود و پاسداری از اسلام ممکن نبود، مگر با حفظ وحدت بین مسلمانان. رسول خدا(ص) از قتل عبدالله بن ابی گذشت تا وحدت باقی بماند. تاریخ زندگی پیامبر اکرم(ص) نظیر این ماجرا را بسیار به خود دیده است.

قرآن نیز هدایتگر مسلمین به وحدت بود. آنجا که فرمود: «واعصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا؛ و همگی به ریمان خداوند چنگ زبید و پراکنده نشوید» (آل عمران، ۱۰۳).

قرآن پیامد شوم دوری از وحدت را نیز بیان می‌کند و عقوبت دسته دسته شدن مسلمانان را واگذاری به خود و گرفتاری در ورطه گمراهی می‌خواند (مؤمنون، ۵۳).

وحدت امت اسلام همواره از اصول مورد تأکید پیامبر(ص) بود و از دیدگاه آن حضرت، اقتدار مسلمین فقط در پرتو وحدت ممکن بود. تا آنکه که زنده بود در راستای این آرمان تلاش نمود. اما پس از رحلت ایشان، طرح ایجاد تفرقه میان مسلمین پا گرفت و دشمنان، از هر فرصتی بهره جستند تا با دامن زدن به خصومت‌های مسلمین، وحدت را خدشه‌دار کنند. سال‌هاست که این مبارزه‌ها ادامه دارد و چه بسیار اندیشمندان مصلحی که در رویارویی با آن پیکار کردند. و چه خون‌هایی که در راه پاسداری از این وحدت به زمین ریخت.

قرن‌ها از رحلت رسول خدا(ص) گذشت و مردی از سلاله پاک آن حضرت ظهور کرد. مردی به نام روح‌الله که بزرگ‌ترین مشغولیت فکر و اساسی‌ترین دغدغه‌اش طرح وحدت جهان اسلام بود. مردی که در طول زندگی سراسر مبارزه خود، به حفظ اسلام در پرتو وحدت اسلامی می‌اندیشید. وفاداری او به این اندیشه، از او برجسته‌ترین شخصیت انقلابی جهانی اسلام را ساخت. فردی که توانست در تمام فرقه‌های اسلامی جایگاهی والا و بی‌نظیر یابد. بزرگ‌ترین ثمره تلاش‌هایش در این راستا، نام‌گذاری ایام دوازدهم ربیع‌الاول (میلاد رسول اکرم(ص)) به روایت

اهل سنت) تا هفدهم ربیع‌الاول (میلاد رسول اکرم(ص)) به روایت تشیع) به نام هفته وحدت بود.

در سوک امام مظلوم شیعیان امام حسن عسکری(ع)

نام مبارکش حسن، کنیه‌اش ابومحمد و معروف‌ترین لقبش عسکری بود. او و پدر گران قدرش را سال‌ها در منطقه‌ای نظامی تحت نظر نگه‌داشته بودند و از آنجا که نام محل عسکر بود هر دو به عسکرین شهرت یافتند (شیخ صدوق؛ علل الشرایع؛ مکتبه الطباطبائی، ج ۱، باب ۱۷۶، ص ۲۳۰).

یازدهمین نور آسمان ولایت بود و مادر بانویی پارسا و شایسته که از او با نام‌های حدیث، حدیثه، سوسن، و سلیل یاد کرده‌اند (شیخ مفید؛ ارشاد؛ ص ۳۳۵ و طبرسی؛ اعلام الوری؛ ص ۳۶۷. شیخ عباس قمی؛ منتهی الآمال؛ ج ۲، ص ۷۲۵ و کلینی؛ اصول کافی؛ ص ۵۰۳. سید علی اکبر قریشی؛ خاندان وحی؛ تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۷۰۱). در فضیلت مادرش همین بس که پس از شهادت امام حسن عسکری(ع)، خانه‌اش پناهگاه و نقطه اتکای شیعیان در آن روزگار بحرانی و پراضطراب بود (مهدی پیشوایی؛ سیره پیشوایان؛ مؤسسه امام صادق(ع) ص ۶۱۵).

در ۲۲ سالگی، شاهد شهادت پدرش بود و از همان زمان امامت شیعه را در دست گرفت. امامت شش سال به طول انجامید و در طول این سال‌ها، رنج ستمگری و خودکامگی‌های معتضد، مهتدی و معتمد عباسی را تحمل کرد و بیشتر این سال‌ها را در زندان به سر برد.

به اعتقاد بسیاری از دانشمندان نامدار جهان تشیع، امام(ع) را بر اثر مسمومیت به شهادت رساندند (همان؛ ص ۶۵۶). خبر که در شهر پیچید، سامرا سراسر فریاد و ناله شد. بازارها تعطیل شد و مردم اطراف خانه آن حضرت گرد آمدند. بنی‌هاشم، دیوانیان، امرای لشکر، قاضیان شهر، شعرا، شهود و گواهان و سایر مردم برای شرکت در مراسم تشیع آمده بودند. آن روز سامرا، شاهد قیامتی باور نکردنی بود (اصول کافی؛ ج ۱، ص ۵۰۵ و بحار الانوار؛ ج ۵۰، ص ۳۳۲-۳۲۸).

امام زمان(ع) آن حضرت را غسل داده، پس از کفن آن حضرت، بدن مطهر را برای نماز آوردند. جعفر برادر حضرت پیش آمد که بر پیکر مبارک نماز بخواند، اما همین که خواست تکبیر بگوید، امام زمان(ع) درحالی که طفلی گندمگون، مانند پاره ماه بود، از حجره بیرون آمده، ردای جعفر را کشید و او را از آن مکان دور کرد و بر پدر بزرگوارش نماز خوانده، ایشان را در کنار مرقد پدر بزرگوارش، حضرت هادی(ع) دفن نمود (بحار الانوار؛ ج ۵۰، ص ۳۳۲).

وقتی که جعفر ماجرا را برای معتمد نقل کرد، همه جا را در جستجوی حضرت گشتند، اما اثری از فرزند امام حسن عسکری(ع) نیافتند.

بیش از یازده قرن از شهادت امام حسن عسکری(ع) و پدر گرامیش می‌گذرد. اما مظلومیت این دو امام بزرگوار، همچنان باقی است. گنبد و بارگاه آن دو بزرگوار از تهاجم وحشیانه و هابیبون در امان نمانده و شیعه همچنان در این آرزوست که

روزی گنبد و بارگاهی زیباتر و باشکوه‌تر از گنبد تخریب شده آن دو مظلوم، در سامرا بنا نهد.

نوری در تقویم شیعه

نهم ربیع‌الاول، روز ولایت‌مهدی امام زمان علیه السلام

ترس از ادامه امامت در فرزند امام حسن عسکری علیه السلام تمام وجود معتمد عباسی را می‌لرزاند، دستور داده بود تا همسران و کنیزان حضرت، تحت کنترل قرار گیرند و اگر احتمال وجود فرزندی می‌رود، آن فرزند نابود شود. به یکی از کنیزان حضرت شک کرده بودند، او را دو سال در محلی زیر نظر گرفتند، اما سرانجام آثاری از حمل ظاهر نشد و بی‌فرزند بودن امام حسن عسکری ثابت گشت (بحار الانوار؛ ج ۵۰، ص ۳۲۹ و اصول کافی؛ ج ۱، ص ۵۰۵).

معتمد عباسی با خاطری مطمئن از پایان سلسله امامت و دروغ بودن ادعای دوازده امامی، یازدهمین کوکب آسمان امامت را به شهادت رساند. بی‌خبر از ازدواج آن امام بزرگوار با ملیکا، دختر قیصر روم و تولد فرزندی به نام مهدی.

و این‌گونه دوازدهمین پیشوای شیعه زنده ماند، تا مکتب تشیع بدون هادی و راهنما نماند. اما تقدیر الهی، چنین رقم خورد که از همان هنگام تولد، خورشید فروزان وجودش در پس ابرهای غیبت باقی بماند (شیخ مفید؛ ارشاد؛ ص ۳۴۶).

نهم ربیع‌الاول در تقویم شیعه تاریخ درخشانی است که یادآور آغاز امامت آن امام بزرگوار است. روزی که بر خلاف رؤیای شوم عباسیان و مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، پایان مسیر پرشکوه امامت نگشت و بلافاصله با شهادت جانگداز آن امام و خاموشی خورشید فروزان وجودش، نوری دیگر بر جایگاه امامت نشست. از این رو نهم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری، روز امامت و خلافت آخرین حجت الهی برای همیشه گرمابخش قلب‌های شیعیان خواهد بود. عیدی بزرگ که تنها فرزند امام عسکری علیه السلام را تثبیت‌کننده نجات بشر گرداند (همان؛ ج ۲، ص ۳۳۶).

فضیلت‌ها و نام‌هایی برای این روز ذکر شده که برخی عبارتند از: عبدالله اکبر، غدیر ثانی، عید فطر دوم، روز فرح شیعه، عید اهل بیت علیهم السلام، روز قبولی اعمال، روزی پیروزی مظلوم، روز دوستی مؤمنین، روز پرهیز از کبائر، روز نابودی ضلالت و گمراهی و روز شکرگزاری (بحار الانوار؛ ج ۳۱، ص ۱۲۹-۱۲۱ و ج ۹۵ ص ۳۵۶-۳۵۱).

نقل شده که هر که در این روز چیزی انفاق کند، گناهانش آمرزیده شود و گفته‌اند که اطعام برادران مؤمن و خشنود گرداندن آنها و خرید کردن برای خانواده و پوشیدن لباس جدید و شکرگزاری به درگاه خدا و عبادت کردن در این روز مستحب است. (مفاتیح الجنان؛ اعمال ماه ربیع‌الاول)

و جهان عمری است که در انتظار تحقق وعده الهی است و چشم‌انتظار لحظه ظهور مهدی فاطمه علیها السلام و این دست‌های پر از عجز و ناله شیعه است که همواره رو به آسمان بلند است و نغمه دارد.

اللهم عجل لولیک الفرج ...

مظلوم تا همیشه ...

خورشید آرمیده در ری

تولد حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

چهارم ربیع‌الثانی سال ۱۷۲ هجری، در خانه‌ای فقیرانه در مدینه دیده به جهان گشود (مستدرکات علم رجال الحدیث؛ علی نمازی شاهرودی؛ ج ۴، ص ۴۵۰). او را عبدالعظیم نام نهادند و به عبدالعظیم حسنی شهرت یافت، چرا که از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام بود و مهر افتخار حسنی بودن، بر سینه داشت، او فرزند عبدالله بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب بود (مستدرک سفینه البحار؛ همان؛ ج ۶، ص ۶۶).

سال‌ها گذشت و عبدالعظیم علیه السلام با تلاش فراوان و پشتکار ستودنی به یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان شیعه و روایان حدیث امامان معصوم علیهم السلام تبدیل شد. او را به عنوان چهره‌ای محبوب و مورد اعتماد نزد اهل بیت علیهم السلام بود، چرا که در دوران سخت عباسیان که عصر خفقان و سخت‌گیری نسبت به شیعیان بود، او به عنوان مدافعی خستگی‌ناپذیر از عقاید تشیع پشتیبانی کرده، سخنان اهل بیت علیهم السلام را نشر می‌داد. محضر امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام را درک و احادیث فراوانی از آن دو بزرگوار نقل نمود (تقویم شیعه؛ عبدالحسین نیشابوری؛ ص ۴۶۳) کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام و کتاب الیوم و اللیله از آثار ارزشمند اوست. (مراقد المعارف؛ محمد حرزالدین؛ مکتبه سعیدبن جبیر، قم، ج ۲، ص ۵۴).

این بود که هرگاه وارد مجلس حضرت امام جواد یا امام هادی علیهم السلام می‌شد، با کمال ادب و خضوع و غایت حیا و فروتنی درحالی‌که دستان خود را از ردا بیرون آورده بود، با کمال ادب، به محضر ایشان سلام می‌کرد و امام پس از پاسخ سلام، او را نزدیک خود می‌خواند و در کنار خویش می‌نشاند. به حدی که زانوی او به زانوی مبارک امام می‌چسبید و امام به‌طور کامل از احوال او پرسید که این موجب غبطه دیگران می‌شد (زندگانی حضرت عبدالعظیم (ع)؛ ص ۳۰).

همواره مورد تکریم و تأیید اهل بیت علیهم السلام بود؛ چنان‌که شیخ صدوق می‌نویسد: «وقتی که حضرت عبدالعظیم خدمت امام هادی علیه السلام مشرف شد و عقاید خود را اظهار نمود، امام فرمودند که تو از دوستان حقیقی ما هستی» (کمال‌الدین، شیخ صدوق؛ ج ۲، ص ۵۱).

فعالیت‌های فراوان او، سبب شد تا از بیم بنی‌عباس متواری شود. از این‌رو به‌طور ناشناس وارد ری شده، در خانه یکی از شیعیان زندگی می‌کرد و تا هنگام وفاتش، هیچ‌کس آن بزرگوار را نمی‌شناخت. تا اینکه هنگام غسل، نوشته‌ای در لباس او یافتند که نسب شریف خود را در آن نوشته بود (تقویم شیعه؛ ص ۴۶۴). این‌گونه از گمنامی درآمد.

در فضیلت زیارت مرقد مطهرش همین بس که: «مردی از اهل ری، خدمت امام هادی علیه السلام رسید. امام از او پرسیدند: کجا بودی؟ گفت: به زیارت سیدالشهدا علیه السلام رفته بودم، فرمودند، بدان که اگر قبر عبدالعظیم حسنی را زیارت کنی، گویا حسین بن علی علیه السلام را زیارت کرده‌ای» (نواب‌الاعمال؛ شیخ صدوق؛ ص ۱۲۴ و کامل‌الزیارات؛ ابن قولویه؛ ص ۳۲۴).

■ روایتگر: محبوبه ابراهیمی

این انتخابات یک نشانه است

بیانات رهبر فرزانه انقلاب درباره نهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی

راه ماه

منتخب

یکی از جاهائی که مردم میتوانند حضورشان را نشان بدهند، همین انتخابات است. نه از حالا، از مدتی قبل شروع کرده‌اند؛ که شاید کاری کنند که در این انتخابات، حضور مردم کم شود. میشنوید دیگر، می‌بینید؛ حالا در آن مقداری که به گوش مردم میرسد، به چشم مردم میرسد، در مطبوعات و در رسانه‌های گوناگون، دشمنان ما، از آن صدر گرفته است، که مرکز و قرارگاه فرماندهی جبهه‌ی کفر و استکبار است، تا این پادوها و ایادی کوچک و پیاده‌نظامشان که همه جا پخشند - اینجا هم هستند، بیرون هم هستند - همه‌ی تلاششان این است که کاری کنند که مردم در این انتخابات شرکت نکنند. من با تجربه‌ای که از رفتار این مردم دارم، و با اعتمادی که به لطف خدای متعال دارم، پیش‌بینی میکنم که به لطف الهی، به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، حضور مردم در این انتخابات، یک حضور دشمن‌شکن خواهد بود و با این انتخابات، خون تازه‌ای به پیکر انقلاب و کشور و نظام جمهوری اسلامی دمیده خواهد شد؛ حرکت تازه‌ای برای او پیش خواهد آمد، نشاط تازه‌ای پیدا خواهد کرد؛ همچنان که همه‌ی انتخاباتها همین جور است. انتخابات مظهر حضور مردم است؛ مظهر دخالت مردم در سرنوشت خود است.

البته آفتهائی وجود دارد؛ باید سعی کنیم این آفتها پیش نیاید. مردم ما و کشور ما از انتخابات سال ۸۸ بهترین خاطرها و بدترین خاطرها را دارند. بهترین خاطرها حاصل حضور عظیم چهل میلیونی مردم پای صندوقهای رأی بود، که دنیا را خیره کرد؛ بدترین خاطرها مربوط به جزئی‌های سیاسی یک عده آدم نادان، ناپاب و بعضاً معاند در قضیه‌ی انتخابات بود. خوب، در هر قضیه‌ای، در هر حادثه‌ای ممکن است یک عده‌ای قبول

نداشته باشند، معترض باشند. چگونه باید اعتراض را نشان داد؟ قانون، راه معین کرده است. چرا قانون‌شکنی کنند؟ چرا برای مردم هزینه درست کنند؟ چرا کشور را دشمن‌شاد کنند؟ چرا برنامه‌هایی را که عفونت‌تصمیم‌گیری‌ها و ترفندهای دشمن از آن بلند و آشکار است، اجرا کنند؟ قانون، راه معین کرده است. آنجا ما گفتیم، به همه هم گفتیم، همه‌ی اطراف قضیه هم ملزم بودند که بر طبق آنچه که گفته شده است - که مَرّ قانون است - عمل کنند. چرا نکردند؟!

آنها کاری از پیش نبردند. و تا این ملت توی صحنه‌اند، تا این پیوند وجود دارد، هیچ کس در این کشور، در کارهای خلاف، کاری از پیش نخواهد برد. کاری از پیش نبردند و نمی‌برند، اما برای کشور هزینه درست کردند، برای ملت هزینه درست کردند؛ چرا؟ با آن انتخابات باشکوه و پر عظمت، میشد کشور این هزینه را تحمل نکند.

عوامل گوناگونی وجود داشتند. باید این برای ما تجربه باشد، باید درس باشد، باید همه مراقب باشیم. انتخابات مظهر حضور مردم و محصول آن، مظهر رأی مردم و خواست مردم است؛ باید به آن احترام گذاشت.

انتخابات باید سالم باشد، رقابتی باشد. رقابت غیر از خصومت است، رقابت غیر از تهمت‌زنی متقابل است؛ اینها را باید همه مواظب باشیم. رقابت این نیست که کسی اثبات خود را متوقف بر نفی دیگری بداند. رقابت این نیست که کسانی بیایند برای جلب نظر مردم، وعده‌های خلاف قانون اساسی، خلاف قوانین عادی بدهند؛ اینها نباید باشد. کسانی که وارد عرصه‌ی انتخابات میشوند، چه از طرف مجریان و مسئولان، چه از طرف کسانی که نامزد میشوند، بایستی به آداب و شروط یک حرکت عمومی سالم پایبند باشند، متعهد

باشند؛ این لازم است.

مجریان باید تمام سعی خودشان را بکنند که امانتداری کنند. خوشبختانه انتخاباتهای ما در طول این سالهای متمادی - این همه ما انتخابات داشتیم؛ بیش از سی انتخابات در این سی و دو سال - انتخابات سالمی بودند. برخی اوقات بعضی‌ها ادعا کردند که انتخابات ناسالم است؛ ما فرستادیم تحقیق کردند، تدقیق کردند - هم در زمان حیات مبارک امام (رضوان الله علیه)، هم بعد از آن - دیدند نه، ممکن است گوشه و کنار تخلفاتی باشد، اما چیزی که انتخابات را ناسالم کرده باشد، نتیجه‌ی انتخابات را تغییر بدهد، مطلقاً اتفاق نیفتاده؛ همانی که مردم انتخاب کردند، در بیرون واقع شده است. باید سعی کنند انتخابات سالم باشد؛ این به عهده‌ی مجریان است؛ چه مجریان در دولت و وزارت کشور، چه در دستگاه شورای محترم نگهبان.

باید مراقبت کنند. هیچ چیزی از قانون بالاتر و عزیزتر نیست. در دنیا معروف است، میگویند قانون بد هم از بی‌قانونی بهتر است. بعید نیست آدم این را قبول داشته باشد؛ چون بی‌قانونی، هرج و مرج است؛ قانون بد لاقبل یک ضابطه‌ای است؛ خوب، انسان اصلاحش میکند. خوشبختانه قوانین انتخاباتی ما قوانین خوبی است؛ ممکن است بعدها کاملتر و بهتر هم بشود. کسانی هم که وارد عرصه‌ی انتخابات میشوند، باید یک تقیداتی، تعهداتی داشته باشند. این، خطاب به همه‌ی کسانی است که به عنوان نامزد وارد عرصه‌ی انتخابات میشوند، و خطاب به همه‌ی مردم است. مردم عزیزمان در سراسر کشور این رفتارها را در نامزدهای انتخابات تفرس کنند، دنبال کنند، دقت کنند. نامزد انتخابات باید با قصد خدمت وارد شود. اگر با قصد قدرت‌طلبی و جمع کردن پول و مسائل گوناگون و انگیزه‌های ناسالم



دیگر وارد شود، به کشور خدمت نمیکند. نامزد انتخابات باید با انگیزه‌ی خدمت وارد شود؛ این را باید تشخیص داد، باید فهمید، باید حدس زد. اگر چنانچه نامزدها به مراکز ثروت و قدرت متصل شوند، کار خراب میشود؛ همچنان که امروز در به اصطلاح دموکراسی‌های دنیا، در آمریکا و غیر آمریکا این رسم هست؛ کمپانی‌ها و پولدارها به نامزد انتخابات در ریاست جمهوری یا در انتخابات کنگره پول میدهند، ولی او در مقابل آنها متعهد است. آن رئیس‌جمهوری که با پول دستگاه‌های گوناگون و مراکز ثروت سر کار بیاید، در مقابل آنها متعهد است. آن نماینده‌ی مجلسی که با پول فلان شرکت و فلان کمپانی و فلان ارباب و فلان پولدار توی مجلس بیاید، مجبور است آنجائی که آنها لازم میدانند، قانون جعل کند، قانون بردارد، توسعه و تضییق در قانون بکند. این نماینده به درد مردم نمیخورد. نه باید به مراکز ثروت‌های شخصی متصل بود، و نه به طریق اولی به ثروت‌های عمومی. کسی بیاید از پول بیت‌المال مصرف کند، برای اینکه به وکالت مجلس برسد؛ این دو برابر اشکال دارد، اشکال مضاعف دارد. اینها را باید مردم مراقب باشند. البته هر کسی را هم نمیشود متهم کرد. بگوئیم آقایان وابسته‌ی به فلان جاست، این وابسته‌ی به فلان کس است، این فلان پول را خرج کرده؛ باید اینها هم روشن شود، باید ثابت شود. مردم باید چشمها را باز کنند، ملتفت باشند. خوشبختانه مردم ما بیدارند. افرادی که میتوانند انسان را خاطر جمع کنند، بین انسان و خدا حجت برای انسان درست کنند، انسان به اینها اطمینان کند؛ آنجائی که خودش میتواند تحقیق کند، تحقیق کند. اینها لازم است. باید دقت شود. ان‌شاءالله انتخابات خوبی انجام بگیرد؛ انتخابات پرشور، با حضور مردم. مردم

همین هم هست که دستگاه‌های خبیث استکبار، از آمریکا و انگلیس و صهیونیستها و دیگران، دارند مرتباً تلاش میکنند که این انتخابات را به یک جوری خراب کنند، مخدوش کنند. کشورهای دیگر نگاه میکنند ببینند این پیشکسوت انتخاباتی و انقلابی - که ملت ایران است - چه کار خواهد کرد. ملت ایران در این زمینه، جزو پیشکسوتهاست. ملت‌های دیگر نگاه میکنند ببینند انتخابات در ایران به کجا خواهد رسید. استکبار دوست دارد که انتخابات در کشور ما آنچنان بشود که ملت‌ها را مأیوس کند

(بیانات رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با مردم قم در ۱۹ دیماه ۱۳۹۰)

درست بشناسند، درست انتخاب کنند و ان‌شاءالله مجلسی تشکیل شود باب نظام اسلامی. و به لطف الهی ان‌شاءالله همین جور هم خواهد شد.

ما اگر از خدا بخواهیم، وارد بشویم، تک تک ما احساس مسئولیت کنیم، قصدمان این باشد که نظام اسلامی و اسلام و ملت ایران را سربلند کنیم، خوشبخت کنیم، سعادت برای دنیا و آخرت‌مان فراهم کنیم، راه الهی بسته نیست. ما اگر چنانچه قدم برداریم، خدای متعال راه را باز میکند؛ عمده این است که ما همت کنیم، تصمیم بگیریم، بنا بگذاریم.

من مطمئنم که این انتخابات برای ملت‌های دیگر هم یک نشانه‌ای است. برای

چرچیل را ناامید کرد!

■ سید جمال الدین اسدآبادی

سید جمال در سال ۱۲۱۷ شمسی، در اسدآباد همدان در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود. در سال ۱۲۲۸ شمسی، عازم نجف شد و از محضر شیخ مرتضی انصاری در فقه و اصول و ملا حسین قلی در جزینی همدانی در اخلاق و عرفان بهره برد. او در دانشگاه الازهر مصر کرسی تدریس را به عهده گرفت و در این زمان کشیش معروف مسیحیان مصر توسط سید جمال مسلمان شد. در مصر محمد عبده، از سید جمال فقه و فلسفه و حدیث را آموخت. سید جمال کتابی علیه فراماسونری به نام ماسون نوشت؛ از این رو حزب فراماسونری او را به کفر متهم کرد و همین امر موجب اخراج مجدد سید جمال از مصر شد. در سال ۱۳۰۰ هـ.ق به آمریکا سفر کرد و از آنجا به لندن و سپس به پاریس رفت و طی سه ماه زبان فرانسه را آموخت. محمد عبده در پاریس به او پیوست و به همراه سید جمال، مجله عروه‌الوثقی را منتشر کردند. یکی از اندیشمندان آن روزگار به نام ارنست رونان فرانسوی سخت به اسلام تاخته و گفته بود که اسلام ضد علم و عامل انحطاط مسلمین است. سید جمال الدین چنان جواب منطقی در مجله عروه‌الوثقی به او داد که موجب شد ارنست رونان به ملاقات وی برود. در پایان جلسه رونان گفت: سید جمال چنان

تأثیری در من گذاشت که تصمیم گرفتم موضوع کنفرانسم را در دانشگاه سوربن، رابطه علم با اسلام قرار دهم.

زبان‌هایی که سید جمال بر آنها مسلط بود عبارت بودند از: انگلیسی، عربی، فرانسه، روسی، ترکی و فارسی. چرچیل سید جمال را به لندن دعوت کرد و خواست از وجود وی بهره‌برداری سیاسی کند که ناکام ماند. در زمانی که امتیاز تنباکو واگذار می‌شد، سید جمال نامه‌ای به مرجع تقلید زمان، مرحوم آیت‌الله شیرازی نوشت و جریان واگذاری امتیاز تنباکو را به‌طور مفصل برای وی تشریح کرد که این کار به فتوای تحریم توتون و تنباکو انجامید. سید جمال دوباره به ایران بازگشت و در رابطه با فساد موجود در دربار، سخنرانی کرد و در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن گزید. در حالی که سید جمال بیمار بود، به دستور شاه او را کشان کشان از تحصن خارج و از ایران اخراج کردند. پس از آن در ترکیه مسموم شد



و به شهادت رسید. آرمان‌های وی عبارت بود از: ایجاد وحدت در جامعه اسلامی، آگاه کردن مسلمانان به هر نحو ممکن به زمان و تمدن اسلامی؛ و اینکه اسلام حاکم، همان اسلام نخستین، و جهاد همان جهاد اسلامی است.

شما از ما قبول نمی‌کنید!

■ آیت‌الله سید رضا بهاء‌الدینی

حضرت آیت‌الله سید رضا بهاء‌الدینی در نهم فروردین ماه ۱۲۸۷ متولد شد. اجازه اجتهاد را در جوانی از محضر حضرت آیت‌الله خوانساری و اجازه روایت را از شیخ عباس قمی دریافت کرد. آیت‌الله بهاء‌الدینی همواره از قبول مصاحبه‌های تلویزیونی، سرباززدن، گاهی که با اصرار برخی ارادتمندان روبه‌رو می‌شد، می‌فرمود: «بالاخر از اینها فکر کنید. گیرم که نام بنده بر سر زبان‌ها افتاد، وقتی پیش خدا دستم خالی است، آن شهرت چه سودی برای من دارد؟... نام بنده موضوعیت ندارد». وی از نخستین روزهای ورود حضرت امام خمینی (ره) به حوزه علمیه قم، با ایشان ارتباط و دوستی مستحکمی

داشت. علاقه شدید وی به جبهه و رزمندگان موجب شد که در عملیات والفجر مقدماتی در کنار رزمندگان اسلام حضور پیدا کنند. در سال ۱۳۶۵ در جمع برخی از دوستان و علاقه‌مندان، درباره رهبری پس از حضرت امام فرمود: «البته هیچ‌کس حاج آقا روح‌الله نمی‌شود، ولی آقای خامنه‌ای از همه به امام نزدیک‌تر است. کسی که ما به او امیدواریم آقای خامنه‌ای است. شما از ما قبول نمی‌کنید و تعجب می‌کنید، ولی این دید ماست، نزد ما محرز است؛ سید علی خامنه‌ای». سرانجام این عالم عامل و زاهد خداترس در سیزدهم ربیع‌الاول سال ۱۴۱۸ هجری قمری در شهر قم از دنیا رفت.

■ آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم

آیت‌الله سید محسن طباطبائی حکیم، به سال ۱۳۰۶ قمری در شهر نجف اشرف به دنیا آمد. از محضر پربرت آیات عظام آخوند خراسانی، آقاضیاء الدین عراقی و نائینی بهره برد. آیت‌الله حکیم پس از آیت‌الله بروجردی، مرجعیت عامه شیعه را به عهده گرفت. برخی از شاگردان او عبارتند از: شیخ حسین وحید خراسانی، شهید سید اسدالله مدنی، شهید سید محمدباقر صدر، علامه محمدتقی جعفری تبریزی و سید محمدحسین فضل‌الله. کتابخانه معروف او که به نام «مکتبه الامام الحکیم» در نجف اشرف تأسیس شده که یکی از مجهزترین و مدرن‌ترین کتابخانه‌های اسلامی است و بیش از یکصد شعبه در سراسر عراق دارد. نخستین بار هنگامی که دولت انگلستان به قصد استعمار عراق لشکر خود را در خلیج

فارس پیاده کرد، او برای جهاد به جبهه ناصریه قدم گذاشت. همچنین حضرت آیت‌الله حکیم، در کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی فعال بود و در همین ارتباط مسلمانان را به کمک و پشتیبانی از برادران مسلمان فلسطینی تشویق می‌کرد و در پانزدهم خرداد، طی بیانیه‌ای با مبارزات مردم ایران همراهی کرد. این عالم مجاهد، سرانجام در ۲۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۹۰ قمری به ملکوت اعلی پیوست. از تألیفات وی، حواشی بر کتاب عروه‌الوثقی، تألیف آقا سید محمدکاظم یزدی است و همچنین کتاب مستمسک العروه‌الوثقی در دوازده مجلد، از آثار اوست.



بلای جان انگلیسی‌ها

■ آیت‌الله کاشانی

آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی رحمته در سال ۱۲۶۴ شمسی، در خانواده‌ای روحانی در قم متولد شد. او به همراه پدر، عازم عراق شده و در حوزه نجف از اساتیدی همچون میرزا محمدتقی شیرازی، آخوند خراسانی و میرزا حسن خلیلی بهره‌های فراوان برده، در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. ایشان در عراق به همراه پدر، رهبری نیروهای ملی عراق علیه انگلیس را بر عهده داشت، به طوری که انگلیسی‌ها که وجود ایشان را بزرگ‌ترین مانع پیشرفت خود در عراق می‌دانستند، حکم اعدام ایشان را صادر کردند اما ایشان پیش از دستگیری، عراق را به قصد ایران ترک کرد. پس از برکناری رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین، آیت‌الله کاشانی، اعلامیه‌ای با این مضمون که ایران مال ایران و ذخایر آن، به‌ویژه نفت، از آن ایرانیان است، منتشر کرد تا اینکه سرانجام در خرداد ۱۳۲۳ بازداشت و تبعید شد و تا پایان جنگ جهانی در اردوگاه‌های متفقین زندانی بود. در پی ترور نافرجام شاه، بار دیگر آیت‌الله کاشانی دستگیر و در قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد زندانی و از آنجا به لبنان تبعید شد. پس از تبعید ایشان، مبارزات مردم همچنان ادامه یافت و شهید نواب صفوی با آیت‌الله کاشانی رابطه مستقیم برقرار نموده، اعلامیه‌های ایشان را پخش می‌کرد. در انتخابات دوره شانزدهم، آیت‌الله کاشانی برای بار دوم غیابا از سوی مردم به نمایندگی مجلس انتخاب شد و منصورالملک نخست‌وزیر وقت، طی تلگرافی از ایشان عذرخواهی کرده و ایشان به ایران بازگشت. در ملی شدن صنعت نفت رهبری مردم در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را بر عهده داشت. در سال ۱۳۳۴، پس از دستگیری سران فداییان اسلام، باز دیگر آیت‌الله کاشانی به اتهام دخالت در قتل رزم‌آرا دستگیر شد و در معرض محاکمه و اعدام قرار گرفت. اما بر اثر پافشاری مقامات روحانی و هشدار جدی آنان، آزاد شد. آیت‌الله کاشانی سرانجام در ۲۳ اسفند ۱۳۴۰ پس از ۶۶ سالگی با استبداد داخلی و استعمار خارجی، دعوت حق را لبیک گفت.



احیاگر حوزه علمیه کربلا

■ آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی

حاج آقا حسین طباطبایی قمی رحمته در ۲۸ رجب ۱۲۸۲ هـ. ق دیده به جهان گشود. پس از پنج سال تحصیل، حوزه تهران را به مقصد نجف اشرف ترک کرد. در نجف در محفل درس حضرات آیات عظام میرزا حبیب‌الله رشتی، ملا علی نهبانندی، آخوند محمدکاظم خراسانی و سیداحمد کربلایی حضور یافت. حاج آقا حسین در سال ۱۳۲۱ قمری وارد سامرا شد و در درس‌های آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی شرکت جست. ارجاع مسائل احتیاطی میرزای شیرازی به او، در واقع به این معناست که وی پس از میرزا، اعلم مجتهدان آن زمان بود.

با توجه به درخواست اهالی مشهد از محضر آیت‌الله شیرازی، ایشان سفر به مشهد و اقامت در آنجا را به وی پیشنهاد کرد. حاج آقا حسین نیز این دعوت را پذیرفت و پس از ده سال سکونت در سامرا به مشهد مقدس سفر کرد. واکنش شجاعانه آیت‌الله قمی در برابر به اقدامات ضد مذهبی رضاخان و حرکت اعتراض آمیز ایشان در تهران، و پس از آن قیام خونین مسجد گوهرشاد، موجب شد که رژیم ستم‌شاهی پهلوی، مدتی ایشان را در تهران توقیف و در نهایت، در سال ۱۳۵۴ هـ. ق به عراق تبعید کند. حوزه علمیه کربلا با رحلت مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی رو به ضعف نهاده بود و ایشان پس از استقرار در کربلا، جمعی از فضلا و مدرسان خبره حوزه علمیه نجف، چون حضرات آیات میلانی، خوبی، سید علی بهبهانی، میرزا مهدی شیرازی و سید صدرالدین جزیری را برای تدریس و کمک به پیشرفت علمی حوزه علمیه کربلا به همکاری دعوت کرد. علما و مجتهدان نجف اشرف با از دست دادن آیت‌الله اصفهانی، مرجعیت عامه و سرپرستی حوزه کهن نجف اشرف را با وجود میل حاج آقا حسین، به او سپردند. آیت‌الله قمی پس از مطالعه کتاب‌های احمد کسروی، او را مرد دانسته، حکم ارتداد وی را صادر کرد. ایشان سرانجام دقایقی پس از طلوع آفتاب روز پنجشنبه چهاردهم ربیع‌الاول ۱۳۶۶ هـ. ق در سن ۸۴ سالگی به دیار باقی شتافت. آیت‌الله آقا موسی صدر، نوه دختری ایشان است.



■ سید احمد خمینی

مرحوم حجت‌الاسلام سید احمد خمینی رحمته در ۲۴ اسفند ۱۳۲۴ در قم پا به عرصه وجود نهاد و پیش از انقلاب در دوران مبارزه و در طول ده سال پس از انقلاب و دوران دفاع مقدس، بیت امام را به بهترین وجه اداره نموده و همواره مطمئن‌ترین و امین‌ترین مشاور امام بودند. پاک، اخلاص و ساده‌زیستی او در این نوشتار آشکار است: «شبی تا صبح فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که من غیر از آقایان بهشتی و هاشمی و خامنه‌ای و افرادی که در این ردیف می‌باشند، هستم. آنها خود با بقیه فرق می‌کنند، ولی من فرقم با بقیه این است که تنها فرزند امام هستم و تنها به خاطر فرزند امام بودن است که مورد علاقه دوستان و بعضی از مردم هستم، تصمیم گرفتم این مسئله را بنویسم و



هیچ کاری که برخلاف میل رهبری و دستان مورد اعتماد رهبری است، انجام ندهم و این مطلب را نوشته و روزنامه‌ها هم منعکس کردند. همیشه از خداوند خواسته‌ام تا در موضعی که باید باشم، قرارم دهد و هیچ‌گاه ادعایی بیش از آنچه هستم نداشته باشم. از قبیل من، هزاران طلبه در حوزه‌ها مشغول درس و بحثند که تنها فرقیشان با من در این است که فرزند امام نیستند.» او می‌گفت: به جای اینکه به درس و مباحث علمی برسیم، ترجیح می‌دهم خود را قربانی انقلاب، امام و مردم کنم و سپردار و رنج‌های امام باشم.

آیت‌الله ممدوحی:

طلبه‌ها از مطالعه کتاب‌های تفسیری و تاریخی غفلت نکنند



آیت‌الله حسن ممدوحی، استاد درس خارج حوزه علمیه قم در گفتگو با نشریه حاشیه، توصیه‌هایی به منظور استفاده بهینه طلبه‌ها از تعطیلات حوزه ارائه کرد.

وی گفت: طلبه‌ها چند دسته هستند، عده‌ای مشغول تحصیل در مقطع مقدمات حوزه هستند، برخی در سطوح عالی حوزه تحصیل می‌کنند و دسته‌ای نیز محقق و پژوهشگر هستند.

آیت‌الله ممدوحی اظهار داشت: پژوهشگر هیچ‌گاه تعطیلی ندارد و مدام مشغول اندیشه و پژوهش است، طلبه‌ای که سطوح عالی حوزه را می‌خواند، باید در ایام تعطیلات حوزه، مطالعات متناسب با رشته تحصیلی خود داشته باشد و در کنار آن، از مطالعه تفسیر و تاریخ نیز غفلت نکند.

استاد درس خارج حوزه علمیه قم تصریح کرد: طلبه‌هایی که در مقطع مقدمات تحصیل می‌کنند، در ایام تعطیل باید درس خود را مرور کنند تا ملکه ذهنشان شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین اراکی:

تعطیلات فرصتی مناسب برای ارتقای معلومات اجتماعی و سیاسی طلبه‌ها



حجت‌الاسلام والمسلمین محسن اراکی

در گفتگو با نشریه حاشیه، طلبه‌ها و روحانیان را به بهره‌گیری درست از فرصت تعطیلات سفارش کرد و گفت: مطالعه کتاب‌های مهم، یادداشت‌برداری و مراجعه به منابع مرتبط با دروس تحصیلی، از جمله اموری است که طلبه‌ها در ایام تعطیلی حوزه، باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند.

وی مطالعات جنبی را برای طلبه‌ها مهم و ضروری ارزیابی و تصریح کرد: این مسئله باید بخش مهم و عمده‌ای توجهی از ایام تعطیل و اوقات فراغت طلبه را تشکیل دهد.

این استاد درس خارج حوزه علمیه قم افزود: مواد درسی حوزه در رشته‌های تخصصی، طلبه‌ها را یاری می‌کند، اما طلبه‌ها برای

در گفتگو با اساتید حوزه علمیه

فرصتی به نام

پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و مردم، باید در مسائل اجتماعی، عقیدتی و سیاسی نیز مطالعات لازم را داشته باشند و معلومات خود را افزایش دهند. ایام تعطیلی دروس حوزه، فرصتی مناسب برای این موضوع است.



حجت‌الاسلام والمسلمین مبلغی:

ایام تعطیل، فرصتی برای بازاندیشی دروس حوزه

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی،

استاد درس خارج حوزه علمیه قم، در گفتگو با نشریه حاشیه، با تأکید بر اینکه طلبه باید جهان پیرامون خود را بشناسد و مسائل اجتماعی را درک کند، گفت: اگر طلبه‌ای در انزوا بوده و از مسائل آگاه نباشد، فکر او بسته باری آید و وقتی این طلبه به عرصه و جایگاهی در اجتماع می‌رسد، این ناآگاهی در نگاه او تأثیر منفی می‌گذارد. البته لازم نیست طلبه‌ها به صورت افراطی در مسائل اجتماعی غرق شوند.

وی بازاندیشی مسائل درسی را از دیگر ضروریات طلبه‌ها در ایام تعطیلی حوزه دانست و گفت: طلبه‌ها بایستی در اوقات فراغت خود، اشکالات درسی و تحصیلی خود را بررسی کنند و این‌گونه نباشد که در کمی درس فرو بروند و نتوانند به سازماندهی وضع خود و جهت‌دهی دروس بپردازند.



حجت‌الاسلام والمسلمین بطحایی:

مطالعات جنبی طلبه‌ها باید ادامه‌دار باشد

حجت‌الاسلام والمسلمین سید هاشم

بطحایی، از استادان درس خارج حوزه علمیه قم در گفتگو با نشریه حاشیه، بهترین کار برای طلبه‌ها در ایام تعطیلات حوزه را مطالعه



■ درگذشت آیت‌الله حاج شیخ محمد شاه آبادی، فرزند آیت‌الله شاه آبادی استاد عرفان امام (ره)



■ دیدار استاد فرشچیان با حضرت آیت‌الله جوادی آملی
عکس: خبرگزاری مهر



■ حضور حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در خانه شهید مصطفی احمدی روشن



«تعطیلات»

دربارهٔ درس دانست.

وی تأکید کرد: بهترین کار این است که طلبه‌ها در ایام تعطیل، در زمینهٔ رابطهٔ با همان دروسی که تحصیل می‌کنند، مطالعات متفرقه و جانبی داشته باشند، چرا که توقف روی یک رشته، حالت تبحر را در پی دارد. این استاد با تأکید بر اینکه مطالعات جنبی طلبه‌ها باید ادامه‌دار و مداوم باشد، گفت: مطالعهٔ مداوم در ایام تعطیل، در درک متون درسی اصلی حوزه، تأثیر بسزایی دارد.

حجت‌الاسلام واعظ موسوی:

تعطیلی برای طلبه معنا ندارد

حجت‌الاسلام واعظ موسوی در گفتگو با نشریهٔ حاشیه، با بیان اینکه طلبه، با ورود به حوزه، با خدا و امام زمان عجلتعالیه معامله می‌کند، ابراز داشت: طلبه برای توفیق در این عرصه و وادی، بایستی از وقت خود بهترین بهره‌برداری را بکند تا بتواند رسالت خود را در نشر و گسترش معارف اهل بیت علیهم‌السلام به بهترین نحو انجام دهد.

وی با تأکید بر اینکه تعطیلی برای طلبه معنا ندارد، گفت: برای یک طلبهٔ شاداب و فعال، در مناسبت‌ها از جمله شهادت و ولادت ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام و سایر مناسبت‌ها که دروس حوزه برقرار نیست، تعطیلی مفهومی ندارد و تنها موضوع بحث عوض می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین واعظ موسوی بیان داشت: طلبه در این مناسبت‌ها، به جای شرکت در کلاس درس، در رابطه با زندگانی آن معصومی که ولادت و یا شهادت ایشان بوده، به پژوهش و تحقیق می‌پردازد و در صورت لزوم در محافل حاضر شده و آموخته‌های خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهد.

وی تأکید کرد: وقتی افراد با هم سنجیده می‌شوند، موفق‌ترین‌ها کسانی هستند که بهترین استفاده‌ها را از تعطیلات کرده‌اند.



حجت‌الاسلام والمسلمین خسروپناه:

طلبة پابرنامه، تابستان و زمستان برایش فرقی ندارد

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحمین خسروپناه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی و استاد حوزه و دانشگاه، در گفتگو با نشریهٔ حاشیه، در خصوص بهره‌گیری طلبه‌ها از فرصت تعطیلات حوزه، نکات جالبی را بیان و تأکید کرد: طلبه اگر نظم و برنامه داشته باشد، تابستان، زمستان، پاییز و بهار برای او فرقی نخواهد داشت. این استاد حوزه و دانشگاه با تأکید مجدد بر اینکه تعطیلی برای طلبه معنا ندارد و باید همواره مشغول کارهای علمی و پژوهشی باشد، ابراز داشت: طلبه‌ای که با برنامه پیش‌رود، از وقت خود بهترین استفاده را خواهد کرد و همواره فردی موفق خواهد بود.



حجت‌الاسلام والمسلمین غرویان:

۴۵ کتاب در صف اتوبوس

و تاکسی مطالعه کرده‌ام

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غرویان، در گفتگو با نشریهٔ حاشیه، با اشاره به

تعطیلات حوزه‌های علمیه، طلبه‌ها را به بهره‌گیری حداکثری از این فرصت‌ها توصیه و تأکید کرد: هر طلبه‌ای در طول شبانه‌روز، دقایق کوتاهی را دارد. به عنوان مثال چند دقیقه در صف نانوائی منتظر می‌شود، چند دقیقه در انتظار تاکسی و یا اتوبوس می‌ماند و یا مسائلی از این دست. طلبه می‌تواند از این دقایق کوتاه نهایت استفاده را برده و کتاب بخواند.

وی گفت: بنده با استفاده از این روش، موفق به مطالعهٔ ۴۵ کتاب شده‌ام و طلبه‌ها را نیز به تجربهٔ این روش توصیه می‌کنم.

این استاد حوزهٔ علمیهٔ قم با بیان اینکه تعطیلات حوزه زیاد است، اما این به آن معنا نیست که مطالعهٔ طلبه‌ها تعطیل شود، اظهار داشت: خلاصه‌نویسی و مطالعهٔ گزیدهٔ جراید و مطبوعات، بایستی در فرصت تعطیلات مورد توجه طلبه‌ها باشد.

غرویان تأکید کرد: مطالعهٔ کتاب‌های شعر و داستان و سایر کتاب‌ها در روزهای تعطیل، افزون بر اینکه نوعی تفریح و تنوع به شمار می‌آید، بر معلومات طلبه نیز می‌افزاید.



■ بزرگداشت شهید میثمی
عکس: خبرگزاری مهر



■ امضای طومار در حمایت از
بیداری اسلامی در مدرسه فیضیه
عکس: رسا



■ مسابقه تیراندازی
عکس: خبرگزاری مهر



رئیس این موسسه ابراز داشت: در حال حاضر رشته‌هایی چون تاریخ اسلام سطح (۲)، تاریخ اهل بیت(ع) سطح (۳)؛ تاریخ تشیع سطح (۳) و شیعه شناسی سطح (۳) دوره‌های رسمی موسسه را در بر می‌گیرد و در سال جاری علاوه بر رشته‌های فعال، سه رشته فقه سیاسی، حکمت و عرفان اسلامی و شیعه شناسی راه اندازی شده است.

پژوهش‌های بی‌سر و صدا

آیت‌الله مقتدایی گفت: بازدید رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی حوزه، در سال گذشته برای معظم‌له اعجاب‌انگیز بود، که این همه پژوهش با عناوین مختلف در سطح عالی و بی‌سر و صدا صورت گرفته است.

اعتراف روزنامه‌کویتی به نقش رهبر انقلاب

روزنامه کویتی الدار، طی یادداشتی به نقش رهبر انقلاب در جریان‌های سیاسی و مذهبی پرداخت و نوشت: آیت‌الله امام‌خامنه‌ای نقش ویژه‌ای در خاموش کردن فتنه‌های مذهبی، حمایت از جنبش‌های انقلابی و نیز مقابله با مستکبرین دارد. این روزنامه اذعان کرد: ایران در این حمایت خود تفاوتی میان جنبش‌های شیعی و سنی نگذاشته و از تمام جنبش‌های آزادی‌خواهانه حمایت کرده و با این نوع حمایت، وحدت اسلامی را به شکل صحیح رعایت کرده است.

اعزام ۶۰ طلبه خارجی برای تبلیغ

۳۰۰ طلبه خارجی از ۱۸ ملیت در اصفهان مشغول به فراگیری علوم دینی هستند. رئیس جامعه المصطفی (ص) العالمیه اصفهان با اعلام این خبر گفت: در محرم امسال ۶۰ نفر از طلاب این مدرسه به منظور فعالیت‌های تبلیغی برون‌مرزی به کشورهای مختلف جهان اعزام شدند.

هزار مسجد بدون روحانی

حجت الاسلام قهرمانی، مدیر حوزه علمیه استان آذربایجان غربی از کمبود روحانی در آذربایجان غربی به شدت گلایه کرد و خواستار حضور جدی میلغان و طلاب استان به مناطق و شهرهای خود شد و اظهار داشت: هم‌اینک یک‌هزار مسجد استان بدون روحانی است.

راه‌اندازی بانک اطلاعاتی فیلم‌نامه

رئیس مرکز فرهنگی هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه از راه‌اندازی بانک اطلاعاتی فیلم‌نامه طلاب و تولید ۵ اثر پویانمایی از زندگی عالمان دینی خبر داد.

نامه آیت‌الله مقتدایی به مناسبت انتخابات

مدیر حوزه‌های علمیه کشور با صدور دستور العملی به همه مدیران و دست‌اندرکاران استانی حوزه‌های علمیه از آنان خواسته در انتخابات مجلس، شأن حوزه و روحانیت را حفظ و

تاسیس رشته جدید در موسسه امام رضا

موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا(ع) از جمله مراکز حوزوی - آموزشی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی است که با مجوز شورای عالی حوزه راه‌اندازی شده است، حجت‌الاسلام رحیمیان

در زندان‌های آل خلیفه به‌سر می‌برند.
 ■ صدها تن از شهروندان شیعه قطیف عربستان، جبهان را به ایستادگی در برابر جنایت‌های آل سعود فراخواندند. ۷۶۰ تن از شخصیت‌های برجسته قطیف عربستان، در بیانیه‌ای از اتهام‌زنی مقامات آل سعود به شهروندان شیعه این کشور، به‌شدت انتقاد کردند.
 ■ سازمان بین‌المللی دفاع از حقوق بشر در گزارشی تأکید کرد که بیش از ۱۲۰۰ خانواده شیعه به دلیل آزار و اذیت برخی از گروه‌های آشوبگر، از استان حمص سوریه خارج شده‌اند. بیش از ۵۰۰۰ وهابی مسلح، در روزهای گذشته، به ربودن و قتل شیعیان روی آورده‌اند.
 ■ جنبش الحوثی یمن، با انتشار بیانیه‌ای، از عربستان سعودی خواست تا به حمایت‌های خود از مزدوران و تجار مواد مخدر و گروه‌هایی که خواهان کشتن یمن به‌وسیله جنگ خانگی هستند پایان دهد.

■ گروهی از جوانان مصری، جمعیت بزرگی را تشکیل داده و نام آن را «پاسداران انقلاب مصر» گذاشته‌اند. آنها پرچم مصر را با همان رنگ‌ها ولی به شکل و شمایل پرچم ایران درآورده و تصویری از «آیت‌الله خامنه‌ای» را نیز در وسط آن گذاشته‌اند. این افراد پیش‌تاز حمله به دیوار سفارت اسرائیل بودند.
 ■ روزنامه صهیونیستی بدیعوت احارونوت نوشت: پیش‌بینی می‌شود که اروپا تا پایان این قرن، مسلمان بشود. این روزنامه صهیونیستی افزود: اسلام در شمار ادیان است که ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده و میزان عمل به آموزه‌های آن به وسیله مسلمانان بیشتر است و این در سایه وجود مساجد و مراکز اسلامی است.
 ■ دادگاه استیضاف استاد حوزه علمیه و رئیس جمعیت الزهراء بحرین، روز گذشته برگزار شد. هم‌اکنون بیش از سی تن از علمای شیعه



نیمسال اول و پایان سال برگزار می‌شود؛ امتحانات نیمسال اول در سال جاری تحصیلی بدون تعطیل شدن درس حوزه، در روزهای پنجشنبه و جمعه، تاریخ‌های ۱۱/۲۷ و ۱۱/۲۸ و ۱۲/۰۴ و ۱۳۹۰/۱۲/۰۵ از دروس فقه، اصول و فلسفه انجام می‌شود و امتحانات پایانی از کلیه دروس (جنبی و اصلی) در اوائل تیر ماه ۱۳۹۱ برگزار می‌گردد؛ در هر نیمسال، کسب نمره قبولی لازم است و چنانچه در هریک از امتحانات دو نیمسال، نمره قبولی احراز نگردد، طلاب می‌توانند آن نیمه را در شهریورماه امتحان دهند.

◀ قم مشهورترین مرکز اسلامی در جهان

کنستانتین شووالف، نماینده روسیه در سازمان همکاری‌های اسلامی گفت: قم به عنوان مهم‌ترین، باسابقه‌ترین و مشهورترین مراکز اسلامی در جهان شناخته شده است. وی ادامه داد: اکنون دانش‌پژوهان روسی در جامعه المصطفی مشغول تحصیل هستند و امیدواریم این همکاری‌ها ادامه داشته باشد و مقامات سیاسی برای برطرف کردن مشکلات احتمالی به این مراکز مراجعه کنند.

◀ نیاز به خیرین مدرسه‌ساز

مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور با بیان اینکه امروز مساجد در کشور اسلامی ما مظلوم هستند، خاطر نشان کرد: ما اگر بخواهیم نیاز مساجد و حتی آموزش و پرورش به ائمه جماعات را برطرف سازیم نیازمند کمک خیرین هستیم تا بتوانیم مدارس علمیه خود را افزایش دهیم.

تنها معیارهای اصلح را به مردم معرفی کنند. آیت‌الله مقتدایی در این نامه متذکر شده است، مدیران و دست‌اندرکاران به منظور حفظ جایگاه محوری روحانیت از عضویت در احزاب و تشکل‌های مرتبط با انتخابات و حمایت از افراد خاص خودداری کنند.

◀ تاسیس یک مدرسه عالی در بوشهر

حجت الاسلام والمسلمین صفایی بوشهری، امام جمعه بوشهر گفت: درصدد تاسیس یک مدرسه عالی بزرگ تبلیغ ویژه خواهران در جنوب ایران هستیم تا بدین وسیله خواهران کشورهای عربی بتوانند در آن مشغول به تحصیل شوند و ثمرات همین مدرسه علمیه، مدرسین آنجا باشند.

◀ تغییر در نظام آموزشی حوزه

مدیریت حوزه علمیه استان قم در اطلاعیه‌ای، کلیات طرح سازماندهی دروس سطوح عالی را اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است: حضور طلاب محترم در کلاس‌های درس، بطور مستمر الزامی است؛ حضور فعال طلاب در کلاس‌های درس، توسط اساتید محترم شناخته شده و نمایندگان آنان، کنترل شده و قبل از برگزاری امتحانات، به مدیریت حوزه علمیه استان قم اعلام می‌گردد؛ طلاب و محصلینی که حضور مستمر آن‌ها در کلاس‌های درس به تأیید اساتید شناخته شده نرسد می‌توانند در امتحانات هر نیمسال شرکت کنند، اما در صورتی به امتحانات آن‌ها ترتیب اثر داده می‌شود که حداقل نمره ۱۶ را کسب نموده باشند؛ امتحانات کتبی در دو نوبت

▶ خبرگزاری حوزوی

تاریخ، تفسیر، رجال، حدیث و مقتل‌های عاشورا برای بهره‌گیری آسان محققین و نویسندگان استفاده شود.

■ خبرگزاری رسا

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در یازدهمین آیین بزرگداشت حامیان نسخه‌های خطی گفت: همه آنچه تاکنون از نسخ خطی مکشوف است، پنجاه درصد از کلیت آن هم به حساب نمی‌آید. وی اذعان داشت: اگر گذشتگان ما با نماز استیجاری و بضاعت کم، طی طریق کرده و این نسخه‌ها را از سراسر دنیا جمع‌آوری کرده‌اند، این عمل آنها این ضرورت را ایجاد می‌کند که ما امروز بیشتر و شایسته‌تر به این آثار بپردازیم و تولید محتوا داشته باشیم.

■ خبرگزاری اهل بیت

روزنامه «شمال آمریکا» اخیراً در مقاله‌ای با اشاره به خروج نظامیان آمریکایی از عراق تأکید کرد: آیت‌الله سیستانی (مرجع عالی شیعیان عراق) آمریکایی‌ها را به عقب‌نشینی از خاک عراق وادار کرد. در این گزارش، با اشاره به ارتباط نزدیک مراجع دینی با مردم، تأکید شده که نظر مخالف و مستحکم آیت‌الله سیستانی در زمینه رد حضور بیگانگان در خاک عراق، اصلی‌ترین عامل در تحقق عقب‌نشینی نظامیان آمریکایی بود.

■ مرکز خبر حوزه

آیین رونمایی از موسوعه ۲۴ جلدی تاریخ امام حسین علیه السلام در قم برگزار شد. در این موسوعه، سعی شده از عناوینی همچون ادب،

حضرت امام خمینی علیه السلام یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان جهان اسلام بودند و به وحدت اسلامی می‌اندیشیدند. اعلام هفته وحدت از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول از جمله اقدامات ایشان است. امام راحل علیه السلام در وصیت‌نامه سیاسی- الهی خویش می‌نویسند: «علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلام، دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند، دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده و اگر این برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خاندان متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگ‌ترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید

روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود!». همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی شرکت‌کننده در نوزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، با اشاره به موج بیداری اسلامی و احیای هویت اسلامی تصریح می‌کنند: «علماء، اندیشمندان و روشنفکران و همچنین رهبران سیاسی، بالاخص کشورهای اسلامی باید از این فرصت استثنایی استفاده و دنیای اسلام را متوجه قدرت توده‌های میلیونی مسلمانان کنند. این کشورها با تکیه بر این قدرت عظیم مردمی، ضمن ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدهای دشمنان، مسیر ترقی و پیشرفت علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را پیمایند».

اما مراد از وحدت چیست؟ گروهی با شعار وحدت چنان بر طبل بی‌عاری می‌نوازند که گویا هیچ اختلاف مذهبی نبوده و

هابیل و قابیل را هرگز فراموش نکن!

نگاهی به نقش غرب در تفرقه‌افکنی میان مسلمانان

کبیر کرده‌ای. ما بریتانیایی‌ها نمی‌توانیم در رفاه زندگی کنیم، مگر آنکه در همه مستعمرات، آشوب و درگیری ایجاد کنیم، اگر آنها از هم جدا شوند و با یکدیگر درگیر باشند، ما به‌آسانی خواهیم توانست بر آنان چیره شویم».

یکی دیگر از اندیشمندان غربی، دکتر «مایکل برانت» است. او که ظاهراً یکی از اعضای بلندپایه سازمان جاسوسی آمریکاست، در آخرین کتاب خود با عنوان توطئه تفرقه میان ادیان آسمانی، از طرح‌های بلندمدت سازمان جاسوسی آمریکا برای رویارویی با مذهب تشیع گفته است.

در این کتاب آمده است: «هیچ راهی برای مقابله و رویارویی مستقیم با شیعیان وجود ندارد و شکست آنها فوق‌العاده مشکل خواهد بود؛ لذا ناچار خواهیم بود در پشت پرده و با استفاده از حربۀ «اختلاف بینداز و حکومت کن»، اهداف خود را به پیش ببریم و در نهایت و طبق برنامه کاری، باید مراجع شیعه را مورد هدف قرار داده و تیر خلاص را بر پیکر مذهب تشیع وارد کنیم».

ایجاد فرقه‌های بابیت و بهائیت، و تلاش در راستای تأسیس رژیم صهیونیستی اسرائیل و مرزبندی کشورهای اسلامی که در تاریخ منطقه سرمنشأ اختلافات بسیار بوده‌اند، نمونه‌های دیگری از برنامه‌های تفرقه‌افکنانه و سلطه‌جویانه غرب، به‌ویژه استعمار پیر است.

از بین بردن صفوف متحد و یکپارچه امت اسلامی، روشن کردن شعله‌های آتش تفرقه و نفاق در میان مسلمانان، کمک به حرکت‌های مخرب برضد آموزه‌های اسلامی، از جمله اهداف انگلیس بود که با ایجاد فرقه‌های جدید، به کسب و تأمین آنها دست‌یافت.

سیاست غرب و استکبار جهانی در برخورد با کشورهای اسلامی در این دوره که از آن با عنوان بیداری اسلامی یاد می‌کنند،

غرب و دولت‌های استعماری، از دیرباز دریافته‌اند که چگونه با تفرقه و اختلاف‌افکنی بر جوامع اسلامی حکومت کرده و از آنها در نیل به اهداف و منافع خود بهره‌گیرند. وقتی میان امتی تفرقه پدید آمد، درحقیقت اگر عامل برونی هم در شعله‌ور کردن آتش جدایی نقشی نداشته باشد، خودبه‌خود زمینه سقوط و هلاکت فراهم می‌شود و ناگزیر عامل بقا، جای خود را به عامل فنا خواهد داد.

درحالی‌که اتحاد و اتفاق مسلمانان جهان در عصر حاضر از ضرورت‌های انکارناپذیر است، بنا به برخی از تنگ‌نظری‌های فرقه‌ای، گروهی و قومی، و نیز نفوذ و دخالت بسیاری از دولت‌های استعماری، این اتحاد سراسری تاکنون زمینه ظهور و بروز پیدا نکرده است و اگر هم بوده، بسیار کم‌رنگ بوده است. دولت‌های استعماری از دیرباز دریافته‌اند که اتحاد و همبستگی مسلمانان، چگونه می‌تواند منافع آنان را به خطر بیندازد.

مستر همفر، جاسوس کارکنش انگلیس در ممالک اسلامی، در بخشی از کتاب خود آورده است:

«یک‌بار موضوع اختلاف شیعه و سنی را با برخی از مسئولان وزارت مستعمرات، در میان نهاد و گفتم: اگر آنان زندگی را درمی‌یافتند، اختلافات را به یک‌سو نهاده، یکپارچه می‌شدند. آن مسئول بر من بانگ زد که تو باید آتش اختلاف را شعله‌ور کنی، نه آنکه در بین آنها وحدت کلمه ایجاد نمایی. بر همین اساس دبیرکل وزارت مستعمرات، در یکی از جلساتی که پیش از سفر به عراق با من داشت، گفت: همفر! بدان که انسانها از آن هنگام که خدا، هابیل و قابیل را آفرید، تا آنگاه که مسیح بازگردد، به طور طبیعی اختلافاتی دارند. وظیفه تو در این سفر آن است که این اختلاف‌ها را در میان مسلمانان بازشناسی و کوه‌های آمادۀ آتشفشان را بیایی و اطلاعات دقیق آن را برای وزارت بفرستی، اگر بتوانی آتش اختلاف را شعله‌ور کنی، خدمت بزرگی به بریتانیای

منتخب

از بین بردن صفوف متحد و یکپارچه امت اسلامی، روشن کردن شعله‌های آتش تفرقه و نفاق در میان مسلمانان، کمک به حرکت‌های مخرب برضد آموزه‌های اسلامی، از جمله اهداف انگلیس بود

حق و باطلی وجود ندارد. تو گویی قرن‌ها اختلاف بر سر هیچ و پوچ بوده و کار عاقلانه آن است که دست برادری دهیم و از پافشاری بر اعتقاداتمان، دست برداریم! عده‌ای نیز با تمسک به رفتار عناصر تندروی طرف مقابل، تکرار وقایع تلخ گذشته و تأکید بر مناسبت‌های درون‌مذهبی و فرقه‌ای، شعار وحدت و تقرب را به سخره گرفته و آن را بازی سیاسی می‌دانند.

اما در واقع مراد از وحدت، کنار هم قرار گرفتن در یک سنگر است. این هم‌سنگری هیچ‌گاه به معنای تسلیم اعتقادی نیست. وحدت یعنی مسلمانان را دعوت کنیم که به جای نشانه رفتن به قلب ما، از جبهه مقابل خارج شده و در یک سنگر به ما بپیوندند تا باهم، سینه دشمن را هدف قرار دهیم.

یکی از مهم‌ترین راه‌های وحدت، پافشاری بر عقاید است! اصولاً نمی‌توان با کسانی که به هر بهانه از عقاید خود پشیمان شده

و نسبت به آن سست باشند، اعلام برادری کرد. صداقت و بیان صریح اعتقادات، کمک شایانی به نزدیک شدن و محکم شدن اتحاد می‌کند.

راهکار بعدی، پیرایش خرافات و دلبستگی‌های بی‌پایه و اساس، از ساحت مذهب است. همچنین مرزبندی بین افکار و عقاید دانشمندان هر تیره با رفتار عوامانه و جاهلانه، تأثیر به‌سزایی در وحدت‌گرایی دارد. اندیشمندان، هرگز نباید به بهانه رفتار نسنجیده عوام، از کار هدایت مردم و نیز تفکر تقریبی و وحدت‌ساز غافل شوند.

بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت و شیعه، گام‌های مؤثری در این راه برداشته‌اند و در این میان ایجاد بستر تفاهم و همدلی و تقریب فرقه‌های گوناگون جهان اسلام و پیروان مذاهب توحیدی، بسیار مهم است.



بر کسی پوشیده نیست. خانم کلینتون در یکی از اظهارات خویش، در پی تلاش ایران برای برقراری روابط دوستانه و اسلامی با مصر گفته است: «ایرانی‌ها دسترسی دیپلماتیک بسیار فعالی دارند، واشنگتن برای بی‌تأثیر کردن اقدامات ایران در کشورهای عربی، در حال ایجاد تماس با گروه‌های مخالف در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا است. ایران شیعه و غیرعرب، می‌کوشد تا بر اخوان المسلمین که یک گروه عربی اهل سنت در مصر است، تأثیر بگذارد». تعبیر «ایران شیعه و غیرعرب» در بیان وزیر خارجه آمریکا به‌روشنی

هدف آنان را در ایجاد تفرقه بیان می‌کند. نمونه‌هایی از موارد ذکر شده و بسیاری از اسناد دیگر، به‌روشنی از برنامه غرب در برابر کشورهای اسلامی خبر می‌دهد، غرب و دولت‌های اسکنتاری به‌خوبی می‌دانند که در کشورهای اسلامی در پی چه هستند و چگونه می‌توانند به آن دست یابند. اما پرسشی که مطرح است، این است که آیا برخی مسلمانان که بر طبل اختلاف می‌کوبند نیز می‌دانند که در پی چه هدفی هستند و به چه سویی حرکت می‌کنند؟



اندیشه تقریب در نگاه چهار عالم مسلمان

کرسی تدریس شیعه در الازهر مصر

مصر، مغرب و الجزایر، با حوزه‌های علمیه و مراکز مذهبی شیعه در لبنان برقرار کند.

■ آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت اخلاص

با مدیریت واحد و رهبری قاطع آیت‌الله العظمی بروجردی که شانزده سال ادامه یافت، تحولات عظیمی از نظر سیاسی، اجتماعی، همچنین در بعد تألیف، تصنیف و ترجمه، چاپ کتاب‌های فقهی و غیره و همین‌طور در ساختار مدیریتی حوزه‌های علمیه و سازماندهی آن پدید آمد. از همه مهم‌تر، یک نوع وحدت و انسجام چشمگیر در میان حوزه، روحانیت و اقشار گوناگون مردم به وجود آورد.

آیت‌الله العظمی بروجردی از آغاز مرجعیت خویش به مسئله وحدت میان مذاهب، اهتمام بیشتری از خود نشان داد و همواره پیگیر این مسئله مهم جهان اسلام بود. او اعتقاد داشت که سامان بخشیدن به این موضوع، از وظایف حیاتی هر عالم شیعی است و باید در تحقق آن تلاش کند. در سال ۱۳۲۷ شمسی مرکز «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» به ابتکار و همت اندیشمندان توانا، مرحوم شیخ محمدتقی قمی و با همکاری علمای سرشناس دانشگاه الازهر و برخی روحانیون شیعی تأسیس گردید. آیت‌الله العظمی بروجردی اگرچه جزو مؤسسان آن نبود، اما از ابتدای فعالیت این مرکز، به حمایت جدی از آن برخاست و حتی از کمک مالی به آن دریغ نوزید. او با برقراری ارتباط با شیخ وقت الازهر، عبدالحمید سلیم و پس از وی با شیخ محمود شلتوت، رابطه جهان‌شمع را با دنیای اسلام، هرچه مستحکم‌تر ساخت و بسیاری از سوء تفاهم‌ها را به دوستی تبدیل کرد. در اثر این درایت، حسن تدبیر، و طرز تفکر آیت‌الله العظمی بروجردی، کار به جایی رسید که شیخ الازهر مصر، محمود شلتوت آن فتوای تاریخی خود را صادر کرد و برای نخستین بار، یک عالم اهل سنت، به طور رسمی مذهب شیعه را به رسمیت شناخت و برای آن در دانشگاه الازهر، کرسی تدریس مستقل تشکیل داد. رهبران مذهبی اهل سنت به‌ویژه رؤسای دانشگاه الازهر، برای

■ امام موسی صدر، سروش وحدت

امام موسی صدر در ۱۳۰۷ شمسی در بیت روحانیت و مرجعیت، در شهر قم در خانه کوچکی به دنیا آمد. ایشان از همت والای خود، کمک گرفت و درحالی‌که به دو زبان فارسی و عربی تسلط داشت، به فراگیری زبان‌های انگلیسی و فرانسوی تلاش کرد و در این راه موفق شد. امام موسی صدر، پیش از هجرت به نجف، برای تکمیل آگاهی‌های فقهی، حقوقی و فلسفی در حوزه علمی قم به درجه والایی از اجتهاد دست یافته بود. در سال ۱۳۳۷ به دعوت علمای برجسته لبنان، برای یک بازدید سی‌روزه وارد لبنان شد. وی پس از مشاهده نابسامانی‌های مسلمانان جنوب لبنان و اوضاع آشفته آن کشور، احساس وظیفه نمود و تصمیم به ماندن در لبنان گرفت. امام موسی صدر در چنین وضع تأسف‌باری، وارد لبنان شد و در چهار زمینه فرهنگی-مذهبی، اقتصادی-فرهنگی، سیاسی-تشکیلاتی و عقیدتی-نظامی فعالیت خود را آغاز کرد. در این زمان، شعله‌های فتنه و جنگ مذهبی در سرتاسر لبنان به طوری سابقه‌ای زبانه می‌کشید. امام موسی صدر با توکل به خدا و خلوص نیت وارد میدان شد و به شهرهای گوناگون لبنان مسافرت کرد و با شرکت در سخنرانی‌ها و جلسات واجتماعات مسلمانان و مسیحیان، ضمن افشای توطئه‌های دشمنان، مردم را در برابر دشمن مشترک به وحدت ملی دعوت کرد. امام موسی صدر از قدرت بالای سیاسی و مذهبی برخوردار بود و بر قلوب میلیون‌ها شیعه و سنی و مسیحی در کشورهای گوناگون حکومت می‌کرد. اما او هنوز در نظر خود همان طلبه ساده نجف و قم بود. در ویژگی‌های اخلاقی و تفکرات ایشان مشاهده نمی‌شد که وی رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان است.

ایشان در لبنان با محی‌الدین حسن (مفتی اهل سنت) ارتباط مستمر برقرار نمود. این ارتباط به قدری گرم و صمیمی شد که مردم از شیعه و سنی، به بیانات آن دو گوش فرامی‌دادند. وی فعالیت‌های وحدت‌آفرین خود را در لبنان عمق بخشید و در یک اقدام و ابتکار توانست ارتباط مستمر و کارآمدی را میان مراکز اسلامی کشورهای

» منتخب

آیت‌الله العظمی بروجردی از آغاز مرجعیت خویش به مسئله وحدت میان مذاهب، اهتمام بیشتری از خود نشان داد و همواره پیگیر این مسئله مهم جهان اسلام بود

آیت‌الله العظمی بروجردی عزت، عظمت و اقتدار ویژه‌ای قائل بودند و همواره با دیده احترام به ایشان می‌نگریستند. ایشان در کلاس‌های درسشان می‌فرمودند: امر تقرب به حال پیشرفت است و خدا را شکر که ما هم در آن سهمی داشتیم.

هدف ایشان هرگز این نبود که یک گروه در گروه دیگر هضم شود، بلکه تأکید داشت با بیان نقاط مشترک همه گروه‌ها، دوستی، محبت و صمیمیت در میان آنها به وجود آید و همه در برابر دشمنان اسلام یبواحد گردند. در نظر او، نیل به این هدف مقدس، از راه تمسک به حدیث ثقلین و معرفی امامان معصوم، به عنوان مصداق بارز اهل بیت، بهترین، آسان‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و معقول‌ترین راه بود.

در سالی که ملک سعود، پادشاه وقت عربستان برای آیت‌الله بروجردی یک جلد قرآن و پرده کعبه، هدیه فرستاده و از ایشان درخواست ملاقات کرده بود، با اینکه وی دیدار را نپذیرفت اما در ادامه فعالیت‌های تقریبی از این فرصت بهره جست و طی نامه تشکر آمیزی، حدیث مفصلی از امام صادق (ع)، شامل نزدیک به چهارصد احکام مربوط به مناسک حج، برای ایشان فرستاد. هدف ایشان این بود که به پادشاه عربستان و شخصیت‌های علمی و مذهبی اسلام بفهماند که می‌توان مراسم کنگره بزرگ حج را طبق روایات و مبانی مشترک مورد پذیرش شیعه و سنی به طور یکسان و هماهنگ برگزار کرد.

■ آیت‌الله کاشف الغطاء، اذان بیداری

شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، در سال ۱۲۹۴ قمری در شهر نجف به دنیا آمد. دو تن از مراجع بزرگ تقلید، آیت‌الله آخوند خراسانی و آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی که کاشف الغطاء سالیان دراز در محضر آنها شاگردی می‌کرد، نقش بسیاری در شکل‌گیری شخصیت علمی کاشف الغطاء داشتند. از میان شاگردان او می‌توان به آیت‌الله سید محسن حکیم، شهید آیت‌الله قاضی طباطبائی و محقق پرتلاش، جواد مغنیه اشاره کرد. پس از فوت استادش، آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی، شمار زیادی از مسلمانان ایران، هند، افغانستان، لبنان و سوریه، او را به عنوان مرجع خویش برگزیدند. کاشف الغطاء در تمام سفرهای خود، با علما و مردم دیدار می‌کرد، با آنان درباره لزوم وحدت سخن می‌گفت و با دانشمندان شیعه و سنی به گفتگوی علمی می‌پرداخت. دانشمندان سنی الازهر از او دعوت کردند و تا سخنرانی کند. پس از سخنرانی، دانش پژوهان الازهر از او خواستند تا فقه و بلاغت را به آنان بیاموزد و او نیز پذیرفت.

سخنرانی پرشور کاشف الغطاء در کنگره جهانی اسلام در فلسطین، با حضور هفتاد هزار مستمع، چنان مورد استقبال علما و مردم قرار گرفت که حتی علمای وهابی، ناصبی و خوارج نیز در نماز جماعت بیت المقدس به او اقتدا کردند. ایشان در بخشی از سخنانشان چنین فرمودند: «اختلاف و جدایی از خصلت‌هایی است که در درون ماریشه دوانیده و ما را بیچاره ساخته است. اختلاف اندیشه و آزادی فکر، از ویژگی‌های انسان است... اما مصیبت وقتی است که اختلاف نظر به دشمنی منجر شود... تردیدی نیست که ما پیش از آنکه سنی یا شیعه باشیم، مسلمانیم. مسلمانان برادر یکدیگرند. باران پیامبر (ص) در بسیاری از موارد با هم اختلاف داشتند. اما پشت سر یک امام نماز می‌خواندند و هرگز گروهی، دیگری را به کفر متهم نمی‌کرد. به همین خاطر اسلام نیم قرن بر شرق و غرب جهان سایه افکند».

سفرهای بسیار کاشف الغطاء سبب شد او با برخی از علمای سنی

دیدار کند و از نزدیک با دیدگاه آنان درباره شیعه آشنا شود. او دریافت که حتی دانشمندان بزرگ اهل سنت آشنایی اندکی با عقاید شیعی دارند و شبهاتی علیه شیعه در تار و پود ذهن آنها و سایر مردم سنی ریشه دوانیده است. کاشف الغطاء تصمیم گرفت به معرفی شیعه بپردازد و بدون هیچ‌گونه توهینی به عقاید اهل سنت، به شبهه‌ها پاسخ گوید. او کتاب اصل الشیعه و اصولها را نوشت که مورد استقبال بسیار مسلمانان سراسر جهان قرار گرفت. این کتاب تاکنون بیش از بیست بار چاپ و به زبان‌های اردو، فارسی و انگلیسی ترجمه شده است. در واپسین روزهای عمر بابرکتش، از روی تخت بیمارستان پیامی برای مردم بحرین فرستاد و از آنها خواست تا دست از تفرقه و جنگ بردارند، زیرا که مسلمانان بیش از همه چیز، به اتحاد، همدلی و برادری نیازمندند.

■ آیت‌الله جهاد، شهید سید قطب

سید قطب یکی از دانشمندان مصری است که تحت تأثیر افکار سید جمال الدین اسدآبادی، فریاد اسلام‌خواهی و مبارزه با استعمار و استکبار برآورد و شهید بیداری امت اسلام شد. در طول حیات ۲۵ ساله مطبوعاتی خود، سیاست آمریکا در برابر عرب را محکوم و تقبیح می‌کرد و به خاطر همین مبارزاتش دستگیر و روانه زندان شد. از نظر اهل سنت، احترام به خلفای صدر اسلام به‌ویژه آنهایی که صحابی رسول خدا به شمار می‌روند، لازم و ضروری است ولی سید قطب از معدود علمای اهل سنت است که از برخی خلفای صدر اسلام به‌ویژه بنی‌امیه، به شدت انتقاد می‌کند و می‌گوید: «بوسفیان کسی است که از روی میل اسلام نیاورد». انتقاد و ایراد سید قطب از خلفای اسلام، به‌ویژه بنی‌امیه، به حدی بود که برخی بر او خرده می‌گرفتند. وی در پاسخ می‌گفت: «من چگونه قومی را دوست داشته باشم که علیه خلیفه رسول خدا قیام کردند و پسر دختر رسول خدا را کشتند...»

سید قطب، متفکر بزرگ مصری، آفت جوامع اسلام را ملی‌گرایی می‌دانست و معتقد بود تا وحدت میان مسلمانان جهان حاصل نشود، امپریالیسم غرب بر منافع مالی آنان چنگ اندازی خواهد کرد. علت مخالفت سید قطب با ملی‌گرایی این است که ملی‌گرایی در مقابل وحدت مسلمانان قرار گرفته است.

سید قطب همچون سید جمال الدین اسدآبادی، مرزهای جغرافیایی را در هم شکست. وی معتقد بود هر جا مسلمانی هست، آنجا قلمرو اسلام است. اگر کشوری اجنبی به یکی از کشورهای اسلامی حمله کند، به اسلام حمله کرده است.

در بخشی از نامه ایشان به آیت‌الله کاشانی به مناسبت ملی شدن صنعت نفت، می‌نویسد: «کسانی که امروز خواستار تشکل و وحدت جهان اسلام در یک جبهه هستند، تنها به روحانیون محدود نمی‌شوند، تنها اخوان المسلمین هم نیستند؛ در افرادی که تفکر و اندیشه اسلامی را باور دارند نیز، خلاصه نمی‌شوند، و امروزه نه تنها اینان بلکه گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌هایی را که اسلام ویژگی بارز و اساسی آنها نیست هم فرا می‌گیرد. استعمار غربی می‌داند که اگر میهن اسلامی یکپارچه شود، چه موقعیت استوار نظامی، سیاسی و اقتصادی نیرومندی خواهد داشت. امپریالیسم از منابع مادی و انسانی فراوانی که جهان اسلام می‌تواند فراهم کند، به خوبی آگاه است. برای استعمار کاملاً عیان است که وقتی صد میلیون نفر زیر یک پرچم و در سایه عقیده‌های واحد و نظام اجتماعی واحد جمع شود، کفه ترازو به نفع اینها سنگین خواهد بود».

◀ منتخب

سخنرانی پرشور
کاشف الغطاء در کنگره
جهانی اسلام در
فلسطین، با حضور
هفتاد هزار مستمع،
چنان مورد استقبال
علما و مردم قرار
گرفت که حتی علمای
وهابی، ناصبی و
خوارج نیز در نماز
جماعت بیت المقدس
به او اقتدا کردند



ظفر بنگاش
مترجم:
علی فتحعلی آشتیانی

نظم نوین جهانی با ظهور شرق اسلامی

نگاهی به وضعیت جدید جهان اسلام در سالگرد بیداری اسلامی

را با صراحت بیشتری به آنها گوشزد کرده است. هرچند خیزش‌های جهان اسلام، سرانجام چند دیکتاتوری طولیل‌مدت را به زیر کشید، اما غرب نیز در این میان بی‌کار ننشسته و به‌سختی می‌کوشد تا دیکتاتورهای باقیمانده به سردمداری آل سعود، آل خلیفه در بحرین، علی عبدالله صالح در یمن و عبدالله اردنی، همچنان در قدرت باقی بمانند. از سوی دیگر، تضعیف کشورهایی که برتری غرب را به گونه‌ای به چالش کشیده‌اند نیز ادامه دارد. مانند تلاش برای سرنگونی دولت بشار اسد در سوریه. لازم است تحولات مذکور را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

غرب هنوز از مصر و تونس ناامید نشده و می‌کوشد تا دستاوردهای مردم انقلابی این کشورها را به سود خود مصادره نماید. مثلاً حمله عناصر خراب‌کار و فتنه‌گر به کلیساهای قبطیان در مصر و درگیری‌های مردم و پلیس این کشور، از دخالت غربی‌ها در پشت صحنه درگیری‌ها حکایت می‌کنند. عده‌ای از سلفی‌ها در روز هشتم اکتبر کوشیدند به یک شبکه تلویزیونی خصوصی تونس حمله کنند، چرا که این شبکه انیمیشنی از انقلاب اسلامی ایران و سرنگونی شاه را نشان می‌داد. گفتنی است که مردم این کشورها هنوز به اهداف انقلاب‌های خود دست‌نیافته‌اند و ضمن حضور در صحنه، باید هوشیاری خود را حفظ کنند. به نظر می‌آید مردم این کشورها، به‌ویژه جوانان، می‌دانند با چه چالش‌ها و تهدیداتی روبه‌رو هستند؛ از این‌رو درگیری با نیروهای نظامی و پلیس در این کشورها دور از انتظار نیست. اکنون اجازه دهید کشورهای منطقه را بر اساس وضعیتشان طبقه‌بندی کنیم:

۱. کشورهای پیشتان، مصر و تونس؛ آنها خیزش‌هایی را شروع کردند که اکنون، الگوی کشورهای دیگر شده است.

۲. کشورهای مرتجع، عربستان، بحرین، یمن و اردن؛ غرب نهایت تلاش خود را خواهد کرد تا از سقوط رژیم‌های این کشورها جلوگیری نماید.

۳. کشورهای هدف‌گیری شده، سرهنگ قذافی و بشار اسد؛ با مرگ فجیع سرهنگ قذافی در شهر سیرت، رژیم او از هم پاشید. رسانه‌ها در حالی خبر مرگ او را به دنیا مخابره کردند که نحوه کشته شدن او همچنان در پرده‌ای از ابهام است. حتی رهبران شورای انتقالی ملی نیز ادعان نموده‌اند که قذافی هنگام دستگیری زنده بوده و تنها زخم‌هایی از ناحیه پا داشته است. اما در توجیهی سست و ناپذیرفتنی گفته‌اند که او بر اثر تبادل آتش میان هوادارن قذافی و انقلابی‌های شورای انتقالی ملی، کشته شده است. کمتر کسی این توجیه را باور می‌کند و البته جالب است که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواستار تحقیق درباره مرگ او شده است. با وجود این، غرب و رژیم صهیونیستی به سرنگونی دولت بشار اسد چشم دوخته‌اند و پیروزی اصلی برای آنها در میدان سوریه رقم می‌خورد. ۴. کشورهای پیرامونی، الجزایر، مراکش، کویت، قطر و امارات متحده؛ شاید این کشورها در مقایسه با دیگر کشورهای عربی-اسلامی منطقه شانس بقای بیشتری داشته باشند.

آقای ظفر بنگاش سردبیر روزنامه کرسنت اینتر نیشنال هستند که مدت ۲۶ سال است در کانادا منتشر می‌شود. این روزنامه یک نشریه خبری است که درباره حرکت‌های اسلامی جهان، مانند فلسطین، کشمیر، فیلیپین و... گزارش‌هایی منتشر می‌کند. آقای بنگاش یک نویسنده پاکستانی است که پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود به کانادا مهاجرت و از همان آغاز، با نشریه یادشده همکاری کرده است. وی در انگلستان به همراه مرحوم دکتر کلیم صدیقی، از بنیان‌گذاران مؤسسه مسلمانان لندن محسوب می‌شده و مدیر اجرایی مؤسسه مزبور است.

ایشان در زمینه‌های گوناگون تألیفاتی دارند که از جمله آنها می‌توان به کتاب قتل عام مکه اشاره کرد. نویسنده که خود در محل حضور داشته و شاهد کشتار حجاج به دست سعودی‌ها بوده است، این کتاب را در سال ۱۹۸۸ درباره کشتار حجاج ایرانی در مکه معظمه، به رشته تحریر در آورده است. آقای بنگاش در سال ۱۳۷۶ برای شرکت در نخستین کنگره امام خمینی علیه السلام و احیای اندیشه دینی، چند روزی مهمان کشور مان بودند. مقاله زیر در ادامه اندیشه‌های تحلیلی ایشان است که توجه شما را به خواندن آن جلب می‌کنیم:

جنبش‌هایی که برای احیای کرامت و آزادی شکل گرفته و شرق اسلامی یا خاورمیانه را درنور دیده‌اند، حامل یک پیام روشن به دنیا هستند و آن اینکه نظم پیشین برای همیشه و به‌طور قطعی دستخوش تغییر شده است. البته هنوز نمی‌توان گفت که مقدرات جدید به چه شکلی پیاده خواهد شد. اما می‌توان خطوط کلی آن را تشخیص داد. توده‌های انقلابی مسلمان به پا خاسته‌اند و نظام‌های ستمگری را که از ده‌ها سال پیش، به‌واسطه حاکمیت دیکتاتورهای متکی به غرب بر آنها تحمیل شده بود، قاطعانه به چالش کشیده و دیگر حاضر نیستند به چنین حکومت‌هایی تن بدهند.

این بیداری اسلامی به‌هر حال موجب نگرانی‌های جدی قدرت‌های جهان‌خوار غربی شده است که البته دور از انتظار هم نبود. آنگاه که دو دست‌نشانده محبوب غرب، یعنی ژنرال زین‌العابدین بن علی و حسنی مبارک به زباله‌دان تاریخ سرنگون شدند، ولولهای عظیم به جان پایتخت‌های غربی و نیز، تل‌آویو، پایتخت رژیم نامشروع صهیونیستی افتاد. برای غربی‌ها بسیار گران بود شاهد فروپاشی نظمی را که پس از جنگ جهانی دوم بر دنیا تحمیل کرده بودند. به‌ویژه که ادامه حیات رژیم صهیونیستی نیز، بیش از همه مورد تهدید قرار گرفته است. رژیم‌های عربی که به قول بن‌گوریون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، خط مقدم دفاع از این رژیم محسوب می‌شدند، سرنگون شدند. اگر این کمربند حفاظتی گرداگرد اسرائیل پاره شود، پایه‌های سست رژیم صهیونیستی نیز فرو خواهد ریخت. گزارش محرمانه سازمان سیا در سال ۲۰۰۹ پیش‌بینی کرده بود که اسرائیل ظرف بیست سال آینده منقرض می‌شود. لئون پانه‌تا، وزیر دفاع آمریکا، نیز در ملاقات اخیرش با مقامات اسرائیلی، همین پیام

منتخب

غرب هنوز از مصر و تونس ناامید نشده و می‌کوشد تا دستاوردهای مردم انقلابی این کشورها را به سود خود مصادره نماید. مثلاً حمله عناصر خراب‌کار و فتنه‌گر به کلیساهای قبطیان در مصر و درگیری‌های مردم و پلیس این کشور، از دخالت غربی‌ها در پشت صحنه درگیری‌ها حکایت می‌کنند



■ کشورهای مرتجع

اگر رویدادهای تونس که در حاشیه شمال آفریقا جا خوش کرده، اتفاق نادر و شگفتی محسوب می‌شد، سرنگونی حسنی مبارک تمام منطقه و بلکه دنیا را تکان داد. به طوری که آل سعود به دست و پا افتاد و رفتارهای دیوانه‌واری از خود نشان داد. عبدالله اردنی به صراحت از باراک اوباما به دلیل «عدم تلاش کافی» برای جلوگیری از سقوط مبارک عصبانی بود. به نظر می‌آید «عدم تلاش کافی» به یک ترجیح‌بند همگانی تبدیل شده است. هر چند جنبش اسلامی در اردن از فرصت پیش‌آمده برای تحمیل خواسته‌های خود و تأمین حقوق اساسی مردم به خوبی استفاده نکرده و سرعت لازم را نداشته است، اما عبدالله اردنی نیز از این تحولات به شدت ترسیده است.

خاندان سعود به سرعت دست به کار شد و تصمیم گرفت به جای خیابان‌های جده یا ریاض، در خیابان‌های منامه و دیگر شهرهای بحرین از خود دفاع کند. اقدامی که دست‌کم از نگاه آل سعود، اقدام متهورانه‌ای تعبیر شده است. آنان دست به قمار خطرناکی زده‌اند که شاید امروز نتایجی برایشان داشته باشد اما هر آن باید منتظر عواقب آن باشند. آنها این قمار را در لیبی نیز انجام دادند، اما دخالتشان در یمن و سوریه از دیگر کشورها ملموس‌تر بوده است.

جالب است که آل سعود به شدت برای ادامه حیات رژیم الخلیفه در بحرین و علی عبدالله صالح در یمن تلاش می‌کنند، اما خود از بازیگران اصلی در سرنگونی قذافی از قدرت بوده و اکنون نیز همه امکانات خود را برای سقوط دولت بشار اسد به میدان آورده‌اند. حکومت‌های الخلیفه و علی عبدالله صالح، چه ویژگی‌هایی دارند که باید به هر ترتیب که شده نجات یابند، اما بشار اسد ارزش حمایت ندارد؟ به طور مشخص همه این بازی‌ها نشان از دسیسه‌های غرب دارند.

غرب که در پی موج بیداری اسلامی، دو عنصر مطلوب و

دست‌نشانده خود را از دست داده بود، تصمیم گرفت خود را حامی خواسته‌های ملت‌ها وانمود کند و بدین ترتیب پیش از سقوط دیگر دیکتاتورها، هدایت این جنبش‌ها را به دست گرفته، تغییراتی را که موجب تضعیف برنامه غرب و رژیم صهیونیستی می‌شود، کنترل نماید. قذافی هدف راحتی بود، او بر کشوری با جمعیت اندک و برخوردار از ثروت‌های عظیم نفتی حکومت می‌کرد. طبق محاسبات غربی‌ها سقوط او کار چندان مشکلی نبود.

سعودی‌ها گروهی از کشورهای عضو اتحادیه عرب را که تمایل داشتند نقشه‌های غرب را با خیانت به ملت‌های خود عملی کنند، با خود همراه کرد. از ۲۲ عضو این اتحادیه، تنها ۱۲ کشور، شتاب‌زده در جلسه‌ای که در ۱۶ مارس به درخواست ریاض تشکیل شده بود، شرکت کردند و از این تعداد نیز، تنها ۹ کشور به صدور قطعنامه علیه قذافی رأی دادند. شورای امنیت سازمان ملل نیز بر همین اساس قطعنامه ۱۹۷۳ را صادر نموده و در روز ۱۷ مارس، منطقه پرواز ممنوع را بر لیبی تحمیل کرد. بلافاصله پس از آغاز بمباران لیبی توسط هواپیماهای ناتو، مزدوران غربی در اقدامی فراتر از قانون «پرواز ممنوع»، به شورشیان لیبی پیوستند تا هدایت عملیات‌های آنها را در دست بگیرند و قذافی را به عقب‌نشینی تا شهر سیرت وادار کنند که در نهایت با کشته شدن او در بیستم اکتبر، کار آنها به پایان رسید. غرب ژست «حامی» ملت‌ها گرفته، در حالی که همین حاکمان غربی، حاضر بودند ده‌ها سال از قذافی حمایت کنند. استقبال گرم غربی‌ها در پاریس و رم از قذافی فراموش‌شدنی نیست. رسانه‌ها دیدار تونی بلر و کاندولیزا رایس از جادر معروف قذافی در طرابلس را پوشش تبلیغاتی گسترده‌ای دادند. اسناد به‌دست‌آمده از وزارت اطلاعات لیبی، از همکاری‌های تنگاتنگ قذافی با سازمان CIA و MI۶ انگلیس پرده برداشته است.

پس چه عاملی او را بدین سرعت به یک موجود منفور و مطرود تبدیل کرد؟ با وجودی که پسر بدنامش، سیفاالاسلام، روابط بسیار



زدیکی با خواص انگلیسی و دیگر کشورهای غربی برقرار کرده بود، نداشتن پایگاه قدرت مردمی در لیبی چنین سرنوشتی را برای او رقم زد. ارتباط با غربی‌ها از سقوط و مرگ اعدام‌گونه او جلوگیری نکرد. دست‌نشانندگان جدید غرب باید این نکته را به ذهن بسپارند و از سرنوشت قذافی عبرت بگیرند. غرب، دوستان همیشگی ندارد و اصولاً به چیزی به نام دوستی معتقد نیست. تنها سیاست دائمی غرب این است که ببیند چه شخص یا کشوری، در چه زمانی می‌تواند منافعتش را به بهترین نحو ممکن تأمین نماید. هرگاه شخصی برای غرب فایده‌ای نداشته و به عبارتی تاریخ مصرفش تمام شده باشد، بی‌رحمانه او را دور می‌اندازند. گورستان‌های دنیا از نوکران حلقه‌به‌گوش غرب لبریز هستند. لازم بود مرزهای غربی مصر از ورود الگوهای انقلابی، دست‌کم از نوعی که موجب تغییراتی در لیبی شد، مصون بمانند.

این وضعیت با اقدامات عربستان و غرب برای پشتیبانی از آل‌خلیفه در بحرین و علی‌عبدالله صالح در یمن را مقایسه کنید. آنها چه ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند؟ رژیم آل‌خلیفه از نظر سعودی‌ها همچون سدی در برابر نفوذ روزافزون ایران است که آن را رقیب خود در منطقه و در جهان اسلامی می‌دانند. از آنجایی که اکثریت قریب‌به‌اتفاق بحرینی‌ها شیعه هستند، سقوط خاندان اقلیت آل‌خلیفه در بحرین، موجب شکل‌گیری حکومتی با اکثریت شیعه خواهد شد که به‌طور یقین، متحد ایران اسلامی خواهد بود. با وجودی که ایرانیان به‌هیچ‌وجه به اختلافات فرقه‌ای دامن نمی‌زنند - نمونه‌اش حمایت این کشور از مبارزات فلسطینیان سنی‌مذهب است - سعودی‌ها و درواقع اربابان آمریکایی آنها خطر ناشی از تحولات منطقه را کاملاً حس می‌کنند. ناوگان پنجم دریایی آمریکا در آب‌های بحرین مستقر است و از آنجا خلیج فارس را کنترل می‌کند. مسلماً یک رژیم مردمی جدید در بحرین به این رابطه خاتمه داده و پایگاه مذکور را تعطیل خواهد نمود.

اوضاع در یمن تفاوت‌هایی دارد، اما آن هم به دلایل خاصی از اهمیت برخوردار است. حساسیت این کشور به خاطر ماهیت فرقه‌ای جمعیتش نیست، هرچند قبایل حوثی در مرز عربستان، شیعه‌های زیدی هستند. اهمیت یمن از بابت موقعیت حساسش در جنوب شبه جزیره عربستان است که بر تنگه باب‌المندب در دهانه دریای سرخ تسلط دارد. آمریکا و رژیم صهیونیستی پیش از حمله به ایران ابتدا خواهند کوشید تا از وجود مسیر امن دیگری برای صدور نفت خاورمیانه به بازارهای دنیا اطمینان یابند زیرا به احتمال بسیار زیاد، در صورت حمله به ایران، این کشور بلافاصله تنگه هرمز را خواهد بست و اجازه صادرات نفت از این منطقه را نخواهد داد. اقتصاد کشورهای غربی که در لبه فروپاشی افتاده‌اند، با این اقدام ضربات مهلک و فاجعه‌باری را متحمل خواهد شد.

علی‌عبدالله صالح از مهره‌های مطلوب غرب نیست، اما توانسته است آمریکایی‌ها را متقاعد کند که سدی در برابر تحركات القاعده در شبه جزیره عربستان است. آمریکا در یمن درگیر جنگی تمام‌عیار شده که علی‌عبدالله صالح آن را به نام خود تمام کرده است. این خطر هم وجود دارد که یمن دوباره به دو قسمت شمالی و جنوبی تجزیه شود که به‌طور طبیعی موجب بی‌ثباتی خواهد شد. ترس سعودی‌ها از این است که بی‌ثباتی از یمن به کشور آنها گسترش یابد و خیزش‌هایی را دامن بزند که سعودی‌ها قادر به مهار آن نباشند. با این آتش‌هایی که در کشورهای منطقه عربی - اسلامی

منتخب

ارتباط با غربی‌ها

از سقوط و مرگ

اعدام‌گونه او

جلوگیری نکرد.

دست‌نشانندگان جدید

غرب باید این نکته

را به ذهن بسپارند و

از سرنوشت قذافی

عبرت بگیرند

رژیم آل‌خلیفه از

نظر سعودی‌ها همچون

سدی در برابر نفوذ

روزافزون ایران است

که آن را رقیب خود

در منطقه و در جهان

اسلامی می‌دانند

روشن شده، دیری نخواهد پایید که شعله‌هایش دودمان آل سعود را نیز در خود بسوزاند. سعودی‌ها و آمریکایی‌ها، دلبستگی خاصی به علی‌عبدالله صالح ندارند. آنها فقط می‌خواهند مطمئن باشند که قدرت در یمن به دست فرد یا گروهی منتقل می‌شود که گوش به فرمان غرب و عربستان باشد.

کشورهای هدف‌گیری شده

سوریه در سبیل این کشورها جای می‌گیرد. هرچند بشار اسد فرد چندان دموکراتی نیست، اما از محبوبیت گسترده مردمی برخوردار است و شورش‌هایی که علیه او در سوریه انجام شده، منشأ بیرونی دارند. دست بیگانگان در این اغتشاشات، آشکارا دیده می‌شود؛ به‌ویژه سعودی‌ها که دوشادوش آمریکا و اسرائیل، از اغتشاشگران حمایت مالی می‌کنند. حتی پادشاه اردن نیز در کنار سوریه‌های متمایل به اسرائیل و شخصیت‌های اوپوزیسیون لبنان، اجرای بخشی از نقشه بی‌ثبات‌سازی سوریه را برعهده دارد. نقشه سرنگونی دولت بشار اسد در فوریه سال ۲۰۱۱ در پاریس و با حضور بندر بن‌سلطان، مشاور امنیتی عربستان، جفری فلتمن، سفیر سابق آمریکا در لبنان و معاون کنونی وزیر خارجه این کشور، و همچنین نمایندگان شخصیت‌های اوپوزیسیون سوریه و لبنان طراحی شد و



پاکستان شاهد بوده‌ایم.

سقوط پادشاهی غرب‌گرای اردن نیز ضربه‌ی سختی به دسیسه‌های آمریکایی - اسرائیلی خواهد زد، زیرا جبهه‌ی دیگری در برابر رژیم صهیونیستی خواهد گشود و فشار بیشتری بر سعودی‌ها وارد خواهد کرد. سعودی‌ها برای سر پا نگه‌داشتن پادشاهی اردن، سالانه یک میلیارد و پانصد میلیون دلار به این کشور تزریق می‌کنند.

■ کشورهای پیرامونی

هیچ‌یک از کشورهای پیرامونی - الجزایر، مراکش، کویت، قطر و امارات متحده - دموکراتیک نیستند. آنها یا پادشاهی‌های قبیله‌ای و عشیره‌ای هستند یا رژیم‌های مورد حمایت نظامیان که ظاهری دموکراتیک به خود گرفته‌اند. وجه مشترک همه‌ی آنها این است که فرمان‌بردار غرب هستند و - هرچند به طور پنهان - روابط حسنه‌ای با رژیم صهیونیستی دارند. هریک از این کشورها که در برابر موج بیداری اسلامی سر خم کنند ضربه‌ی دردناک و مهلک دیگری به غرب وارد می‌شود. آمریکا تاکنون به خاطر سیاست‌های مزورانه باراک اوباما به اندازه‌ی کافی ابهت خود را در منطقه از دست داده است. مردم شرق اسلامی سرانجام به باطن کثیف دروغ‌های او پی‌برده‌اند که در چهارم ژوئن سال ۲۰۰۹ در قاهره، آیاتی از قرآن را لابه‌لای سخنانش ادا می‌کرد. خیانت او به مردم فلسطین، آتش خشم مردم منطقه را شعله‌ورتر کرده است. با گرفتاری‌های مالی شدید و اوضاع بحرانی اقتصاد آمریکا، دیگر چیزی از قدرت این کشور باقی نمانده تا تغییراتی در دیگر نقاط دنیا به وجود بیاورد.

■ نگاه به آینده

واشنگتن به طور هم‌زمان تلاش می‌کند تا گام‌های اصلاحی را در کشورهایی مانند مصر، منحرف سازد و رژیمی مانند رژیم سوریه را ساقط کند تا شاید بخشی از شکست‌هایش جبران شود. همچنین به شدت می‌کوشد تا از سقوط دیگر دست‌نشانده‌هایش جلوگیری نماید. این تحرکات و اقدامات آمریکا از دید مردم منطقه پنهان نمانده است. در این بازی سه کشور از حساسیت بالایی برخوردارند: مصر، سوریه و عربستان سعودی. اما هدف اصلی و نهایی آمریکایی‌ها حفظ رژیم صهیونیستی است.

می‌توان حس کرد که زمان برای عمو سام و رژیم اسرائیل رو به پایان است. هرگاه قدرت مردم از اسلام مایه بگیرد و آنها آماده‌ی فداکاری برای تحقق اهداف والایشان باشند، دیگر نمی‌توان چنین قدرتی را مهار کرد.

بیداری اسلامی در منطقه، نه تنها رژیم‌های پوسیده و فاسد را نابود خواهد کرد، بلکه نظم تحمیلی دوران استعمار را که چندین دهه مردم را در اسارت خود نگاه داشته، از بین خواهد بود. این صحرای بی‌آب و علف، به‌زودی به شکوفه خواهد نشست و شرق اسلامی جدیدی عاری از ظلم و ستم و استثمار ظهور خواهد کرد و طولی نخواهد کشید که مردم سراسر دنیا از این الگو، درس گرفته، آن را در کشورهای خود پیاده کنند. ما آثار این الگوگیری را در جنبش «الاستریت را اشغال کنید» در آمریکا شاهد بوده‌ایم.

به نظم نوین جهانی خوش آمدید؛ نظمی که به دست واشنگتن، تل‌آویو، پاریس و لندن شکل نخواهد گرفت.

منبع: crescentic.com

در آن توافق کردند که علیه رژیم بشار اسد شورش‌های مسلحانه‌ای - با سلاح‌های قاچاق شده از اردن - به راه بیندازند.

نیازی به یادآوری اهمیت سوریه در حوزه‌ی سیاست شرق اسلامی نیست. این کشور همراه با ایران اسلامی، حزب‌الله و حماس، محور مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند. در صورتی که سوریه از این محور حذف شود، ضربه‌ی شدیدی به مقاومت وارد خواهد شد. ضمن آنکه سوریه به دست گروه‌های متمایل به عربستان خواهد افتاد. جنگ قدرت وحشتناکی در داخل سوریه درمی‌گیرد و این کشور را در معرض دخالت‌های بیگانگان قرار خواهد داد. صرف نظر از اینکه کدام گروه، قدرت را در سوریه به دست می‌گیرد، به‌طور قطع، این کشور در محور مقاومت بر ضد اسرائیل نخواهد بود. افزون بر اینها، عربستان سعودی در حلقه‌ی ارتباطی اسرائیل و آمریکا قرار دارد و با استقلال جهان اسلام مخالف است؛ چه این استقلال در فلسطین، لبنان و یا هر نقطه‌ی دیگری از شرق اسلامی باشد. همچنین بدترین نوع درگیری‌های فرقه‌ای و مذهبی نیز در منطقه روی خواهد داد. اختلافات مذهبی همواره برای سعودی‌های تاریک‌اندیش ابزاری برای دامن زدن به منازعات فرقه‌ای در امت اسلام بوده است و هیچ‌گاه از این فرصت چشم‌پوشی نکرده‌اند که نمونه‌ی آن را در

◀ منتخب

اهمیت یمن

از بابت موقعیت

حساسش در جنوب

شبه جزیره عربستان

است که بر تنگه

باب‌المنندب در دهانه

دریای سرخ تسلط

دارد. آمریکا و رژیم

صهیونیستی پیش از

حمله به ایران ابتدا

خواهند کوشید تا

از وجود مسیر امن

دیگری برای صدور

نفت خاورمیانه

به بازارهای دنیا

اطمینان یابند